



شورای عالی حوزه علمیه خاوران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

## تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

## بررسی پیامدهای غیبت در زندگی انسان

### از منظر اسلام

استاد راهنما

سرکار خانم طائبی

استاد داور

حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا راعی

پژوهشگر

مریم رفیعی

تابستان ۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی

تحقیق پایانی با موضوع : .....

که توسط پژوهشگر محترم سرکار خانم: مریم رفیعی

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است ، توسط هیأت داوران مورد ارزیابی قرار گرفته و در تاریخ / / ۱۳۹۰ ،

با کسب رتبه .....

پذیرفته شده است.

استاد راهنما: سرکار خانم طائی

استاد داور: .....

مدرس علمیه: .....

امضاء مدیر ومهر مدرسه



شورای عالی حوزه علمیه خاوران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

## تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

## بررسی پیامدهای غیبت در زندگی انسان

### از منظر اسلام

استاد راهنما

سر کارخانم طائبی

استاد داور

حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا راعی

پژوهشگر

مریم رفیعی

تابستان ۱۳۹۳



## تقدیم به:

پیشگاه مقدر و منور، بانوی نمونه و الگوی استواری و بندگی

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و

بزرگمرد عالم هستی، امیرالمومنین علی (علیه السلام)

## تقدیر و تشکر

«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»

سپاس می گویم خداوند بزرگی را که همیشه این بنده کوچک را دست گیری کرده، و از او مسئلت دارم که بین هزاران بیراهه، گام برداشتن در راه حق و حقیقت را نصیب ما گرداند.

و در ابتدا از زحمات شبانه و دلسوزانه مؤسس محترم حوزه ی علمیه حضرت نرجس خاتون (سلام الله علیها)، حضرت آیت الله ناصری (است. ب. ت.)، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

و در ادامه از راهنمایی های ، سرکار خانم ناصری، مدیریت حوزه، خانم زمانی، معاون پژوهش و سرکار خانم طائبی استاد راهنمای این پایان نامه سپاس و قدر دانی مینمایم.

و در پایان از زحمات و فداکاری های همسر گرامی ام که به بزرگواری تمام، شرایط رشد و پیشرفت من را فراهم نموده، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

## چکیده

پژوهش حاضر بررسی پیامدهای غیبت در زندگی انسان از منظر اسلام است.

امروزه یکی از مشکلات و معضلات جامعه ما، غیبت و بدگوئی پشت سر دیگران است که هم عواقب سوء دنیوی را به همراه دارد و هم در آخرت پیامدهای زیانباری را گریبان گیر فرد می کند.

در این پژوهش به بیان این مسئله پرداخته شده است که منابع اسلامی، در کلام وحی و فرامین معصومین (علیهم السلام) به صراحت انسان را از ارتکاب به گناه غیبت نهی می کند و پیامدهای زیانبار آن را گوشزد می کند غیبت که یکی از لغزش های بزرگ زبان است و البته محدود به زبان هم نیست عبارت است از یاد کردن کسی در غیاب او به عیوبی که اگر بشنود از آن ناراحت و آزرده خاطر می شود. این عمل بر اساس مبانی دینی، به عنوان یک رفتار ناهنجار محسوب می شود که موجب بروز پیامدهای دنیوی و اخروی فراوانی می شود که عمده عوامل خطرناک آن در روایات بیان شده ریختن آبرو و شکستن حرمت افراد ایجاد عداوت و کینه، اشاعه زشتی ها، عذاب قبر، تأخیر در پاداش و تقدیم مجازات و ... می باشد. این پژوهش با روش کتابخانه ای گردآوری شده است.

**کلید واژه ها:** عیب جویی، غیبت، تهمت، دروغ، پیامد ها، ردایل اخلاقی.

# فهرست مطالب

| عنوان                         | صفحه |
|-------------------------------|------|
| مقدمه                         | ۱    |
| خش اول: کلیات و مفاهیم        |      |
| فصل اول: کلیات تحقیق          |      |
| ۱.۱. تعریف و تبیین موضوع      | ۵    |
| ۱.۲. اهمیت و ضرورت تحقیق      | ۵    |
| ۱.۳. اهداف و فوائد تحقیق      | ۶    |
| ۱.۴. پیشینه موضوع تحقیق       | ۶    |
| ۱.۵. سوالات تحقیق             | ۷    |
| ۱.۶. فرضیه تحقیق              | ۷    |
| ۱.۷. روش تحقیق                | ۷    |
| ۱.۸. ساختار تحقیق             | ۸    |
| ۱.۹. واژگان کلیدی             | ۸    |
| ۱.۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق | ۸    |

## فصل دوم: مفهوم شناسی

- ۱.۲.۱. مفهوم شناسی واژه غیبت ..... ۱۰
- ۱.۲.۱.۱. معنای لغوی واژه غیبت ..... ۱۰
- ۱.۲.۱.۲. معنای اصطلاحی واژه غیبت ..... ۱۱
- ۱.۲.۲. واژگان مرتبط ..... ۱۳
- ۱.۲.۳. اقسام غیبت ..... ۱۶

## بخش دوم: پیامدهای غیبت

### فصل اول: پیامدهای دنیوی غیبت

- ۲.۱.۱. باطل کننده‌ی عبادات ..... ۲۱
- ۲.۱.۲. مبعوض شدن نزد خدا و مردم ..... ۲۳
- ۲.۱.۳. عدم استجاب دعا ..... ۲۶
- ۲.۱.۴. باز ماندن (غافل شدن) از عیوب خویشتن ..... ۲۸
- ۲.۱.۵. سلب اعتماد و آسیب دیدن انسجام اجتماعی مسلمین ..... ۲۹
- ۲.۱.۶. اشاعه‌ی زشتی ها ..... ۳۰
- ۲.۱.۷. ریختن آبرو و شکستن حرمت افراد ..... ۳۲
- ۲.۱.۸. ایجاد عداوت و کینه ..... ۳۴

- ۲.۱.۹. نزول مصائب و کم شدن روزی ..... ۳۵
- ۲.۱.۱۰. سلب توفیق از انجام اعمال صالحه ..... ۳۶
- ۲.۱.۱۱. تباه شدن قلب ..... ۳۸
- ۲.۱.۱۲. تحمل فشار شدید هنگام قبض روح ..... ۴۰

## فصل دوم: پیامدهای اخروی غیبت

- ۲.۲.۱. غیبت مانعی برای پذیرش اعمال نیک ..... ۴۳
- ۲.۲. غیبت نابود کننده‌ی دین ..... ۴۴
- ۲.۳. ثبت ثواب غیبت کننده به حساب غیبت شونده ..... ۴۵
- ۲.۴. عذاب قبر (مجازات عالم برزخ) ..... ۴۷
- ۲.۵. وارد شدن در ولایت شیطان ..... ۴۷
- ۲.۶. غیبت کردن مرتبه‌ای از حق الناس ..... ۴۹
- ۲.۷. مانعی بر پذیرش توبه (غیبت بدتر از زنا) ..... ۵۰
- ۲.۸. تأخیر پاداش و تقدیم مجازات ..... ۵۱
- ۲.۹. محرومیت از بهشت ..... ۵۲
- ۲.۱۰. تجسم زشت غیبت در روز قیامت ..... ۵۵
- نتیجه گیری ..... ۶۰
- منابع و ماخذ ..... ۶۱

## مقدمه

از آن جا که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی نیازمند ارتباط با دیگران است خداوند متعال زبان و قدرت تکلم را در نهاد و سرشت افراد بشر قرار داده تا در پرتو آن با هم نوعان خویش ارتباط برقرار نمایند.

در اهمیت این نعمت و موهبت الهی همین بس که خداوند متعال در قرآن کریم در مقام بیان نعمت ها و موهب «نعمت بیان و گفتار» را بعد از خلقت و آفرینش انسان ذکر فرموده است.

علی رغم این که «سخن و گفتار» از ارزش و جایگاه ویژه ای برخوردار است اما اگر به جا و درست از آن استفاده نگردد، ممکن است دست خوش آفات شده در نتیجه پیامدهای خطرناک و جبران ناپذیری را به بار آورد.

یکی از آفات زبان که از دیر باز انسان کم و بیش به آن مبتلا می باشد «غیبت» است بیماری که آسیب ها و پیامدهای ناگواری را متوجه خود فرد و جامعه بشری خواهد کرد. اگر عواملی را که منجر به این بیماری می شود مورد بررسی قرار دهیم، متوجه می شویم که بسیاری از افراد بر اثر عدم آگاهی از پیامد های شوم و ناگوار «غیبت» مبتلا به این بیماری شده اند که اگر آثار شوم آن را می دانستند شاید به این رذیله گرفتار نمی شدند

بنابراین اطلاع از پیامدهای «غیبت» می تواند نقش موثر و چشمگیری در عدم ابتلا به این بیماری را ایفا نماید بنابراین لازم است بدانیم:

که غیبت چیست؟ و چه پیامدها و آثار زیانباری را به بار می آورد؟

این پایان نامه سعی بر آن دارد تا بر تکیه بر منابع اسلامی پیامدهای غیبت را در دو بخش که بخش اول، کلیات و مفاهیم و بخش دوم، پیامدهای دنیوی و اخروی مورد بررسی قرار دهد که به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ مطالب عقلی و نقلی و به لحاظ روش مطالب، کتابخانه ای گردآوری شده است.



**بخش اول: کلیات و مفاهیم**

**فصل اول: کلیات تحقیق**

**فصل دوم: مفاهیم**

# بخش اول: فصل اول

## فصل اول: کلیات تحقیق

۱.۱. تعریف و تبیین موضوع

۱.۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

۱.۳. اهداف و فوائد تحقیق

۱.۴. پیشینه موضوع تحقیق

۱.۵. سوالات تحقیق

۱.۶. فرضیه تحقیق

۱.۷. روش تحقیق

۱.۸. ساختار تحقیق

۱.۹. واژگان کلیدی

۱.۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق

## ۱.۱. تعریف و تبیین موضوع

با اینکه غیبت از گناهان بزرگ اخلاقی و اجتماعی بوده و مفسد مهیبی بر آن مترتب است و اساساً سرشت ها و طبع های سالم و بی عیب از آن گریزانند اما نفس ضعیف انسان به واسطه فراموشی یا دور بودن از خداوند گاهی به این گناه بزرگ دست می زند غافل از این که در محضر خداست و خداوند همواره ناظر بر اقوال و افعال ماست.

خداوند نقص، کاستی و عیب را وجه مشترک همه انسان ها به جزء اهل بیت (علیه السلام) قرار داده و به همین دلیل آن ها را از عیب جویی منع و مکلف نموده است تا همت خود را صرف اصلاح نقایص خویش کنند و از پرداختن به عیوب دیگران و سرزنش آن ها پرهیز نموده و باب عیب جویی از دیگران را بر خود مسدود نمایند. غیبت اعظم مهلکات و اشد معاصی است که حرمت آن توسط اجماع و صریح کتاب و احادیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) به اثبات رسیده است. اگر در نظام اخلاقی اسلام، ظلم را ام الرذایل بدانیم غیبت یکی از مهمترین شاخه های ظلم است چون هم ظلم به خود و هم ظلم به دیگران هم ظلم به خداست. بنابراین با توجه به جایگاه مهم بحث غیبت در میان رذایل اخلاقی که از معدود گناهانی است که هم در قرآن به صراحت و مستقیم از ارتکاب آن نهی شده و هم روایات فراوانی در مذمت این گناه کبیره از اهل بیت (علیهم السلام) رسیده و هم چنین با توجه به پیامدهای زیان باری که بر ایمان شخص غیبت کننده مغبوض شدن در نزد خدا و در میان مسلمین، بهداشت روانی جامعه و نیز بر وحدت میان مسلمانان دارد و هم چنین عذاب های اخروی مهیبی که درباره آن در بیانات معصومین ذکر شده شایسته است که بار دیگر تأملی ژرف پیرامون پیامد های این رذیله داشته باشیم تا با شناخت کافی نسبت به آن ها خود و دیگران را از ارتکاب به آن حفظ نموده و از شر آن به خداوند رحمان پناه ببریم.

و ما در این پژوهش بیان نموده ایم که غیبت دارای آثار زیادی می باشد که به دو بخش آثار دنیوی و آثار اخروی تقسیم می شود.

## **۱.۲. ضرورت و اهمیت موضوع**

خداوند متعال، بر مبنای حکمت و علم بی انتهای خود، انسان ها را آمیزه ای از صفات نیکو و زشت آفریده و برای هر یک از این صفات، آثار و لوازمی قرار داده است.

از جمله برای شناخت رذایل نفسانی، میزان خاصی قرار داد. و تلاطمات روحی و ناآرامی های ناشی از آن را ابزار شناخت رذایل معرفی نموده است و برای ایجاد آرامش در آن ها، ابزاری به نام یقین به وعده های اخروی، ارائه نموده و راه دستیابی به این وعده ها را عمل به دستورات دینی در شرایط گوناگون، قرار داد. و انسان ها را از اموری چون عیب جوئی که اهل دنیا برای ایجاد آرامش از آن ها بهره می گیرند نهی نموده است.

غیبت حالت شوم و مرموزی است که به خروج فرد از دایره ولایت الهی منتهی شده و باب معاشرت و انجام وظیفه در برابر برادران دینی را مسدود خواهد نمود پس بر آن شدیم که به پیامدهای این صفت رذیله پردازم تا خوانندگان با توجه به آثار و پیامدهای آن از این گناه بزرگ دوری نمایند.

## **۱.۳. اهداف و فوائد تحقیق**

۱. شناخت مفهوم غیبت و اقسام آن

۲. جمع آوری کردن یک طرح منسجم در مورد پیامدهای دنیوی غیبت.

۳. جمع آوری کردن یک طرح منسجم در مورد پیامدهای اخروی غیبت.

## **۱.۴. پیشینه موضوع تحقیق**

با جستجو و تفحص در کتب مختلف اخلاقی از جمله غیبت سرطان ایمان - اثر حسین میرزا خانی که فقط به توضیح کوتاهی از پیامدهای غیبت اشاره شده بود و جلد سوم کتاب اخلاق در قرآن نوشته ناصر مکارم شیرازی و دیگران اشاره به گناه غیبت تعریف، اقسام و ارکان غیبت و درمان آن و آیات مرتبط با آن و تفسیر آیات پرداخته شده است و به صورت مختصر روایاتی در زمینه پیامدهای غیبت ذکر نموده است.

هم چنین کتاب اخلاق الهی اثر مجتبی تهرانی به بیان بعضی از پیامدهای غیبت به صورت گذرا پرداخته بود.

بنابراین لازم دانستیم تا در این نوشتار به بیان پیامدهای دنیوی و اخروی غیبت به صورت کامل و مجزا پردازیم و رساله ای منسجم در این باب بنگاریم.

## ۱.۵. سوالات تحقیق

### سوالات اصلی:

غیبت کردن چه پیامدهایی را در زندگی انسان به دنبال دارد؟

### سوالات فرعی:

۱. غیبت چیست؟

۲. پیامدهای دنیوی غیبت چیست؟

۳. پیامدهای اخروی غیبت چیست؟

## ۱.۶. فرضیه تحقیق

فرض ما بر آن است که آثار غیبت در منابع اسلامی مطرح شده است زیرا هر رذیله اخلاقی که در انسان ریشه بدواند دارای پیامدهای جبران ناپذیری می باشد که غیبت از بزرگ ترین این رذیله های اخلاقی است.

## **۱.۷. روش تحقیق**

این پژوهش از لحاظ موضوع اخلاقی و به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ محتوا عقلی و نقلی است و به لحاظ روش کتابخانه ای می باشد.

## **۱.۸. ساختار تحقیق**

این تحقیق از دو بخش تشکیل شده است که در بخش اول مشتمل بر دو فصل است:

۱. کلیات تحقیق

۲. مفهوم شناسی

بخش دوم مشتمل بر دو فصل می باشد:

۱. پیامدهای دنیوی غیبت

۲. پیامدهای اخروی غیبت

## **۱.۹. واژگان کلیدی**

**غیبت:** افشای غائبانه اسرار دیگری که از افشای آن ناراحت شود.

**پیامدها:** هر صفت رذیله ای عواقب مخرب زیادی به دنبال دارد که با نادیده گرفتن آن خطرات جبران ناپذیری را برای خود و جامعه همراه دارد.

**رذایل اخلاقی:** صفات ناپسند و نکوهیده اخلاقی و رفتاری از نظر شرع و عقل انسانی

#### **۱.۱۰. محدودیت ها، مشکلات و موانع تحقیق**

۱. تکراری بودن مطالب در کتب مختلف

۲. حجم کم مطالب در هر کتابی که به صورت خلاصه و اشاره ای بیشتر نبود.

## **بخش اول: فصل دوم**

### **فصل دوم: مفاهیم**

۱.۲.۱ . مفهوم شناسی واژه غیبت

۱.۲.۲ . واژگان مرتبط

۱.۲.۳ . اقسام غیبت



## ۱.۲.۱. مفهوم شناسی واژه غیبت

غیبت یکی از زشت ترین و خطرناک ترین مفاصد اخلاقی است. بی شک بسیاری از مردم نقطه ضعف هایی دارند که غالباً پرده بر آن ها افتاده که اگر این عیوب و نقطه ضعف ها آشکار گردد مفاصد متعددی سطح جامعه را فرا خواهد گرفت به همین دلیل اسلام از افشای آن ها شدیداً نهی کرده و آن را به عنوان یکی از بدترین آفات زبان ذکر نموده اند هر چند غیبت منحصر به زبان نیست.

### ۱.۲.۱.۱. معنای لغوی واژه غیبت

غیبة: به کسر غین و سکون یاء و فتح باء اسمی است از فعل مزید (اغتاب فلان فلاناً) یعنی در غیاب او سخن گفت و مصدر آن اغتیاب است.<sup>۱</sup>

(غَابَهُ، (ای) عَابَهُ وَ ذَكَرَهُ بِمَا فِيهِ مِنَ السُّوءِ) بدی های فرد را ذکر کردن.<sup>۲</sup>

غیبة «وهو أن يتكلم خلفَ إنسانٍ مستورٍ بسوءٍ، أو بما يُغْمُهُ لو سمعه» غیبت آن است که پشت سر فردی عقیف، چیزی بگویند که اگر بشنود ناراحت شود.<sup>۳</sup>

«ذكر العيب بظهر الغيب على وجه تمنع الحكمة منه» غیبت عبارت است از یاد کردن عیب های دیگران، پشت سر آن ها بصورتی که خلاف حکمت باشد.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> - زین الدین بن علی ثانی، کشف الریبه، بی جا: دارالمرتضوی للنشر، ۱۳۹۰ق، ص ۴.

<sup>۲</sup> محمد مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، علی هلالی و علی سیری، ج ۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹۶.

<sup>۳</sup> فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، محقق احمدحسین اشکوری، ج ۲، چاپ سوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۳۵.

<sup>۴</sup> - امین اسلام ابی علی الفضل بن حسن طبرسی، محقق هاشم رسول محلاتی، بیروت: موسسه تاریخ العربی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۲۷.

غیبه: کلمه غیبت اسم است بمعنی اغتیب و بدگوئی کردن پشت سر دیگران یعنی آن چه در غیاب شخص از او بدگویی می شود پس اگر آن عیب در او باشد غیبت است و اگر در وی نباشد بهتان است و اگر در روبه روی او گفته شود آن را شتم (فحش) گویند.<sup>۵</sup>

الغیبه: بدگویی پشت سر کسی، افشای غائبانه اسرار کسی که از افشای آن ناراحت می شود.<sup>۶</sup>

«و الغیبه أن يذكر الإنسان غيره بما فيه من عيب من غير أن أحوج إلى ذكره قال تعالى: «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا»<sup>۷</sup> غیبت آن است که یاد کند انسان دیگری را به آن عیبی که در اوست بدون اینکه نیازی به ذکر آن عیب باشد خداوند در قرآن فرموده اند: «غیبت نکنید بعضی از شما بعضی دیگر را»<sup>۸</sup>

## ۱.۲.۱.۲. معنای اصطلاحی واژه غیبت

غیبت یکی از شایع ترین مفاسد اخلاقی است که در کتاب های تفسیری و اخلاقی با عبارت های مختلف اما با مفاهیم بسیار نزدیک به هم معنا شده است که عبارتند از: «و هو ذكر الانسان حال الغیبه بما يكره نسبتة اليه مما يعد نقصاناً في العرف بقصد الانتماء و الذم؛ غیبت آن است که انسان پشت سر کسی سخنانی بگوید که دوست ندارد و این سخنان که عرفاً نقص است درباره اش زده شود و هدف گوینده هم آن باشد که به آن شخص اهانت کند و وی را تحقیر نماید»<sup>۹</sup>

<sup>۵</sup> - علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ص ۱۳۷.

<sup>۶</sup> - ابراهیم انیس و دیگران، مترجم محمدبند ریگی، فرهنگ المعجم الوسیط، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳۶.

<sup>۷</sup> - الحجرات (۴۹)، آیه ۱۲.

<sup>۸</sup> - حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، قم: انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۳، ص ۶۱۷.

<sup>۹</sup> - شهید ثانی، کشف الریبه، زین الدین ابن علی عاملی، قم، تحقیق مرکز الدراسات السلامیه، ۱۳۸۰، ص ۱۳.

بدگویی و اظهار عیب یا گناه مومنی در نزد دیگری که از آن اطلاعی ندارد و آن عیب و زشتی در فرد مومن وجود دارد ولی او از اظهار شدن آن ناراضی است.<sup>۱۰</sup>

بیان نقاط ضعف و معایب دیگران، که اگر آن را بشنوند ناراحت شوند چه مربوط به رشته های دینی، اخلاقی، روحی، و اجتماعی باشد چه مربوط به جسم و یا مربوط به بستگان او، همه این موارد به موجب فرموده پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) «ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُهُ؛ یاد کردن برادرت به چیزی که او را خوش نیاید.»<sup>۱۱</sup> مشمول غیبت است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: غیبت آن است که برادر دینیت را به آنچه کراهت دارد یاد کنی. و حضرت صادق (علیه السلام) می فرمایند: «غیبت آن است که درباره برادر دینیت عیبی را که خداوند بر او پوشیده داشته بیان کنی.»<sup>۱۲</sup>

خداوند در قرآن کریم مومنین را مانند برادر دانسته و آبروی آن ها را مانند گوشتشان و عیب جویی از آن ها را مانند خوردن گوشت آن ها حرام دانسته و عدم آگاهی آن ها را از این سخنان به منزله مرگ آن ها می داند و می گوید: «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا؛ پشت سر یکدیگر سخن نگوئید آیا دوست دارد یکی از شما گوشت برادر مرده خود را بخورد؟»<sup>۱۳</sup> و هم چنین فرموده است: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ؛ وای بر هر عیب جوی که با زبان و اعضاء و جوارح خود عیب جویی می کند.»<sup>۱۴</sup> و در جایی دیگر فرموده: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ؛ خداوند بانگ زدن به بد زبانی را دوست ندارد مگر از سوی کسی که به او ظلم شده.»<sup>۱۵</sup>

<sup>۱۰</sup> - علی مشکینی، نصابیح، جنتی، چاپ سوم، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۶۷، ص ۳۲۱.

<sup>۱۱</sup> - مهدی فقیه ایمانی، نقش زبان در سرنوشت انسان، چاپ هشتم، قم: انتشارات عطر عترت، ۱۳۸۸، ش، ص ۴۸۳.

<sup>۱۲</sup> - عبدالحسین دستغیب شیرازی، گناهان کبیره، ج ۲، تهران: کانون ابلاغ اندیشه های اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۲۵۵.

<sup>۱۳</sup> - محی الدین فاضل هرندی، ترجمه و شرح مکاسب، ج ۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱، ص ۲۵۸.

<sup>۱۴</sup> - الهمزة (۱۰۴)، آیه ۱.

<sup>۱۵</sup> - محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، هاشم رسولی محلاتی، ج ۱، تهران: المطبعة العلمية ۱۳۸۰، ق، ص ۲۸۳.

قرآن در جاهای مختلف گاهی به صورت مستقیم مانند سوره حجرات و گاهی به صورت غیر مستقیم در جاهای مختلف نهی از این صفت رذیله نموده و عواقب خطرناک دنیوی و اخروی آن را گوشزد کرده است.

## ۱.۲.۲. واژگان مرتبط

بحث غیبت معمولاً با واژه های نظیر عیب جویی طعنه زدن، بهتان، مسخره کردن، و امثال آن در هم آمیخته شده و چه بسا گاهی شخص غیبت کننده چند گناه را با هم مرتکب می شود که در اینجا به توضیح کوتاهی پیرامون این واژگان مرتبط با بحث غیبت می پردازیم.

۱.۲.۲.۱. «لَمْزَه»: صیغه مبالغه از ماده لمز به معنی غیبت کردن و عیبجویی از دیگران است.

۱.۲.۲.۲. «هُمَزَه»: از ماده «هَمَزَ» صیغه مبالغه به معنای شکستن است و زمانی اتفاق می افتد که افراد با عیب جویی شخصیت دیگران را درهم می شکنند.<sup>۱۶</sup>

از ابن عباس روایت شده که گفته است «همزه طعنه زدن و لمزه غیبت کننده است»<sup>۱۷</sup> عطاء بن ابی الریاح گفته اند که همزه آن است که پیش رو عیب او را بگویند و طعنه بزنند و لمزه آن است پشت سر غیبت فرد را بکنند.

در آیه شریفه خداوند می فرماید: «وَيَلُّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةً؛ وای بر هر عیب جوی مسخره کننده»<sup>۱۸</sup> این آیه در مورد کسانی است که به وسیله زبان یا حرکات دست و چشم و ابرو و یا در پشت سر دیگران یا

<sup>۱۶</sup> - شهرام تاجانی، گناهان کبیره زبان، قم: شهریار، ۱۳۸۹ ش، ص ۸۰-۸۱.

<sup>۱۷</sup> - طبرسی، همان، ج ۱۴، ص ۱۲۷.

<sup>۱۸</sup> - الهمزة (۱۰۴)، آیه ۱.

پیش روی آن ها، آن ها را مسخره می کنند و به عبارتی غیبت آن ها را کرده و عیب های پوشیده آن ها را افشاء می کنند.<sup>۱۹</sup> مفسران برای معنای لَمَزَه و همزه معانی و احتمالات زیادی داده اند بعضی (همزه) را به معنی کسانی که با اشارات دست و سر عیب جویی می کنند و (لَمَزَه) را به معنی کسانی که با زبان عیب جویی می کنند دانسته اند.<sup>۲۰</sup>

گاهی این عیب جویی و آشکار کردن لغزش های دیگران همراه با استهزاء و مسخره کردن است که گفتار، رفتار یا صفات دیگری را به قول یا فعل یا ایما و اشاره طوری نقل و حکایت می کنند که سبب خنده دیگران می شود که این اعمال همراه با ایذاء و تحقیر و آگاه کردن دیگران بر عیوب فرد غیبت شده است و این در صورتی است که در حضور فرد مورد استهزاء نباشد متضمن غیبت نیز می باشد و در مقابل بعضی گفته اند همزه و لَمَزَه هر دو به معنی غیبت است و تکرار به جهت تاکید است.

۱.۲.۲.۳. جهر بالسوء: خداوند در سوره نساء فرموده است: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا؛ خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود عیب هارا اظهار کند مگر آن کسی که مورد ستم واقع شده باشد، خداوند شنوا و دانا است.»<sup>۲۱</sup>

۱.۲.۲.۴. تشیع الفاحشه: در این آیه نیز اظهر عیوب دیگران مورد مذمت واقع شده که به طور مستقیم غیر به همان غیبت اشاره می کند. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان

<sup>۱۹</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۷، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش، ص ۳۰۹.

<sup>۲۰</sup> - مصطفی حسینی، اخلاق و تربیت اسلامی، تهران: زعیم، ۱۳۸۸.

مردم با ایمان شیوع یابد عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است، و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.<sup>۲۲</sup>

۱.۲.۲.۵. بهتان: کلمه بهتان به معنی افتراء است یعنی درباره ی مسلمانی چیزی گفته شود که او را ناخوش آید و دروغ نباشد حال اگر درغیاب فرد باشد دروغ و غیبت است و اگر در حضورش باشد بدترین نوع دروغ است و گناه آن از غیبت و دروغ بدتر و شدید تر است. و اگر آن را بهتان نامیدند؛ چون شخص مورد افتراء را مبهوت می کند.

برخلاف غیبت که ذکر نمودن عیوب و نقایص شخص در غیاب فرد است که آن عیوب و نقایص در او وجود دارد ولی بهتان نسبت دادن کاستی و گناه به شخصی است که مرتکب آن نشده باشد خواه این ذکر عیوب در حضور آن شخص انجام شود یا در غیاب او. هرچند زشتی و گناه این کار از زشتی و گناه غیبت بیشتر است ولی خارج از عنوان غیبت می باشد آیات و روایات مربوط به این معصیت با لحن شدید تری به نکوهش آن پرداخته خداوند در قرآن می فرماید: «و کسی که از او لغزش و گناهی سر زند سپس به شخص بی گناهی نسبت دهد به یقین مرتکب بهتان و گناه آشکار شده اند.»<sup>۲۳</sup> و در جایی دیگر می فرماید: «و آنها که مردان و زنان با ایمان را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند آزار می‌دهند متحمل بهتان و گناه آشکاری شده‌اند.»<sup>۲۴</sup>

البته با تفاوتی که بین این دو گناه وجود دارد در بعضی کتب اخلاقی و روایات غیبت را به بهتان معنی کرده اند چنان چه از امام صادق (علیه السلام) در مورد غیبت پرسیده شده فرمودند: «آن است که

---

<sup>۲۲</sup> - النور (۲۴)، آیه ۱۹.

<sup>۲۳</sup> - النساء (۴)، آیه ۱۱۲.

<sup>۲۴</sup> - الأحزاب (۳۳)، آیه ۵۸.



۱.۲.۳.۳. عیوب اخلاقی: این است که بگوییم فلان کس متکبر است یا بخیل یا یک دنده یا ترسو یا بد اخلاق یا تنبل یا تندخو مزاج یا بی اراده است.

۱.۲.۳.۴. عیوب عملی: این که اعمالی را که در دین حرام است در مورد کسی در غیاب او بگوییم مثل دزدی یا می خواری و یا ستمگری یا قمار بازی و مانند این ها.

۱.۲.۳.۵. عیوب زبانی: مانند این که بگوییم فلانی دروغ گو و پر حرف یا هتاک یا فحاش یا بد دهن است.

۱.۲.۳.۶. عیوب دینی مذهبی: این که بگوییم فلانی تمام نمازهای صبحش در حاشیه طلایی است یا سهل انگار است نسبت به تمام نمازهایش یا متشرع نیست یا از نجاسات اجتناب و دوری ندارد.

۱.۲.۳.۷. عیوب معاشرتی: مانند این که بگوییم فلانی از آداب اجتماعی بویی نبرده یا پرخور و پر خواب است یا بی اعتنا نسبت به مردم است یا این که بگوییم نسبت به بزرگان با بی احترامی رفتار می کند.

۱.۲.۳.۸. عیوب خانوادگی یا نژادی: این که بگوییم فلانی دخترش مسئله دار است یا پسرش فلان طور است یا با فرد مسئله داری ازدواج کرده و بطور کلی تمام عیوبی را که با واسطه به شخصی نسبت می دهیم.

۱.۲.۳.۹. عیوب زندگی: مثل این که در مورد مسکن کسی بگوییم: خانه اش غار موش است یا ویرانه است یا در مورد پوشاکش بگوییم: فلانی لباسش چرک و کثیف و وصله دار است یا عاریه پوش است. یا در مورد ماشینش بگوییم: غیر از بوقش همه جایش صدا می دهد یا ابوطیاره به گردش و مانند این ها. (البته غیبت منحصر به این دسته از عیوب متداول نیست به طور کلی هر عیبی که در زندگی



انسان متصور شود می تواند داخل در عنوان غیبت باشد و ما این موارد متداولتر را به عنوان نمونه بیان کردیم.<sup>۲۷</sup>

اما زشت ترین نوع غیبت: یکی از زشت ترین و پلید ترین انواع غیبت، غیبت کردن افراد متصف به فهم و دانش اما ریاکار است، زیرا این اشخاص در زیر نقاب پاک دامنی و پرهیز کاری، مقصود خود را می فهمانند تا هم دامن خود را از غیبت پاک نشان دهند و هم مقصودشان را برسانند.

این نادانان نمی دانند که با این عمل خود، هم زمان دو کار زشت انجام داده اند: ریا و غیبت. برای مثال، در حضور چنین فردی از کسی سخن به میان می آید و او می گوید: خدا را شکر که ما را به ریاست طلبی یا دنیا دوستی یا فلان خصوصیت مبتلا نکرد، یا می گوید: خدا ما را از فلان چیز حفظ کند. یا می گوید پناه به خدا از بی شرمی و بی توفیقی. حتی مجرد حمد و شکر گفتن خدا برای چیزی اگر از آن فهمیده شود که شخصی که صحبت او در میان بوده است صفتی مخالف آن چیز را دارد این خود غیبت است که شخص با عبارت دعا و در لباس اهل صلاح و پاکی بیان کرده و مقصودی جزء این ندارد که در غالب نوعی گفتار، عیب او را بگوید گفتاری که هم غیبت در آن هست و هم ریا و هم ادعای بری بودن از رذایل که این دعا خود، نقطه افتادن در ورطه رذایل و بلکه زشت ترین آن هاست.<sup>۲۸</sup>

در این رساله قصد داریم به پیامدهای غیبت که در آیات و روایات معصومین به آن ها اشاره شده پردازیم و منظور ما از غیبت شامل انواع و اقسام غیبت به طور عام می شود.

---

<sup>۲۷</sup> - حسین میرزا خانی، سرطان ایمان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ ش، ص ۸۹، ۸۷.

<sup>۲۸</sup> - همان.

## **بخش دوم: پیامدهای غیبت**

فصل اول: پیامدهای دنیوی غیبت

فصل دوم: پیامدهای اخروی غیبت

# بخش دوم: فصل اول

## فصل اول: پیامدهای دنیوی غیبت

۱.۱. باطل کننده‌ی عبادات

۱.۲. مبعوض شدن نزد خدا و مردم

۱.۳. عدم استجابت دعا

۱.۴. باز ماندن (غافل شدن) از عیوب خویشتن

۱.۵. سلب اعتماد و آسیب دیدن انسجام اجتماعی مسلمین

۱.۶. اشاعه‌ی زشتی‌ها

۱.۷. ریختن آبرو و شکستن حرمت افراد

۱.۸. ایجاد عداوت و کینه

۱.۹. نزول مصائب و کم شدن روزی

۱.۱۰. سلب توفیق از انجام اعمال صالحه

۱.۱۱. تباه شدن قلب

۱.۱۲. تحمل فشار شدید هنگام قبض روح

در روایات اسلامی و کتب اخلاقی به طور جدی از غیبت کردن نهی شده و آثار سوئی برای آن بیان گردیده که در این باره به طور مشروح به بحث می پردازیم زیرا مردم کمتر به حرمت و گناه غیبت توجه دارند. بیشتر مردم برای اداء نماز و روزه و بسیاری از عبادات و آن چه وسیله قرب مقام در نزد خداوند می شود می کوشند و بسیاری از محرمات از قبیل زنا، شرب خمر و ... را مرتکب نمی شوند و با این همه بیشتر اوقات خود را در مجالس لهو و خوشگذرانی و سخنان بیهوده و ... تلف می کنند و آبروی برادران دینی خود را می برند و آن را جزء گناهان به حساب نمی آورند گویی از مؤاخذة خداوند متعال در ارتکاب این گونه اعمال بیمی ندارند و از آن نکته غافلند که حسناتی را که کسب می کنند با یک غیبت از بین می رود.

روایات زیادی در نکوهش غیبت وارد شده است؛ مضمون این روایات به قدری تکان دهنده است که درباره کمتر گناهی می توان این گونه تعبیری یافت . از میان آنها گروهی به پیامدهای دنیوی و گروهی به پیامدهای اخروی اشاره دارند .

## **۲.۱. پیامدهای دنیوی غیبت**

آثار سوء برخی از اعمال بر روابط انسان ها با هم و بر شخصیت فردی آنها بسیار آشکار است که از جمله آن ها غیبت کردن است که روابط انسانها را سست و سرد می کند و خود منشأ گناهان بسیار دیگری است که در بیان نمی گنجد، ولی مواردی از آنچه که به طور صریح در روایات بیان شده از این قبیل اند:

### **۲.۱.۱. باطل کننده ی عبادات**

آبروی مؤمن آن قدر شأن عظیمی دارد که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در احادیث مختلفی غیبت کردن را از بین برنده‌ی عبادات انسان می‌داند؛ غیبت باعث می‌شود عمل و رفتار شایسته‌ی انسان تا چهل روز مورد پذیرش درگاه احدیت قرار نگیرد در روایات مکرر اشاره شده که وضو، نماز و روزه‌ی شخص غیبت کننده باطل است البته مقصود از باطل بودن در اینجا، بطلان فقهی نیست، به این معنا که عبادت فرد انجام نشده است و به دلیل انجام ندادن فریضه مورد توبیخ قرار گیرد؛ بلکه منظور خالی بودن این رفتار از اثری است که اعمال صالح و رفتار شایسته باید روی فرد بگذارد. اعمال صالح سعادت و بهشت را نتیجه می‌دهد و باز دارنده از عذاب الهی و آتش جهنم است؛ اما در صورتی که فاقد تأثیر باشد این نتیجه مثبت را ندارد، مانعی برای ارتکاب گناهان نخواهد بود و برای روح انسان اثر سازندگی و تعالی ندارد و همچنین نورانیتی را که از وضو حاصل می‌شود از بین می‌برد. بنابراین انسان باید پیش از آن که بخواهد زبان به گفتار بگشاید در آن بیندیشد که هر گاه متضمن غیبت است خاموش باشد ولو این کار با تکلف و سختی همراه است ولی روح انسان را تعالی بخشیده و برای او معنویت و نورانیت به همراه می‌آورد.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «نشستن در مسجد به انتظار نماز و عبادت است تا پدیده‌ای پیش نیاید. پرسیدند یا رسول الله آن پدیده چیست؟ فرمودند: غیبت.»<sup>۲۹</sup>

و در جای دیگر می‌فرمایند: «مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاتَهُ وَ لَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ»<sup>۳۰</sup> هر کس از مرد یا زن مسلمانی غیبت کند خداوند متعال نماز و روزه‌ی او را تا چهل شبانه روز نمی‌پذیرد مگر آنکه شخص غیبت شده از آن فرد بگذرد.»

<sup>۲۹</sup> مهدی نراقی، جامع السعادات، جلال الدین مجتبی، ج ۲، چاپ نهم، تهران: حکمت، ۱۳۸۹، ص ۴۰۳.

<sup>۳۰</sup> حسین بن محمد نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، موسسه آل بیت (ع)، قم: موسسه آل بیت (ع)، ۱۴۰۸، ج ۷،

در روایت است که روزی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) دستور دادند تا مسلمانان روزه بگیرند و بدون اجازه‌ی او افطار نکنند هنگام مغرب، همه برای افطار کردن از حضرت اجازه گرفتند. شخصی خدمت پیامبر آمد و عرض کرد دو تا از دختران من روزه گرفته‌اند، برای افطار کردن آن‌ها اجازه بفرمایید. حضرت پاسخی ندادند برای بار دوم درخواستش را تکرار کرد باز هم حضرت پاسخی ندادند، برای بار سوم حضرت فرمود: آن‌ها روزه نبودند. چگونه روزه بوده کسی که در این روز گوشت‌های مردم را خورده است. به آن‌ها بگو اگر روزه بوده‌اند قی کنند. آن‌ها قی کردند و از دهانشان لخته‌های گوشت، بیرون آمد؛ پس آن مرد نزد پیامبر آمد و ماجرا را گفت. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود سوگند به آن کسی که جان محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) در دست اوست اگر این لخته‌ها در شکم ایشان باقی می‌ماند، آتش آن‌ها را در برمی‌گرفت؟

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرمایند: «کسی که غیبت می‌کند روزه‌اش باطل و وضویش نقض می‌شود و اگر در آن حال بمیرد در حالی مرده که حرام خدا را حلال شمرده است»<sup>۳۱</sup> دقت و تأمل در اخبار و روایاتی که در مورد غیبت بیان شده و عقوبت‌هایی که برای آن بیان نموده‌اند خود نوعی راه علاج این بیماری دل است که به انگیزه‌های مختلفی بر می‌گردد و چون همه ناشی از نفس بیمار و ضعیف فرد می‌باشد که هواهای نفسانی از جمله حسد، خشم، تکبر و خود برترینی و... بر آن غلبه پیدا کرده است.

## ۲.۱.۲. مبعوض شدن نزد خدا و مردم

کسی که عیب‌های برادر ایمانی خود را پشت سر او بر ملا می‌کند، عیب‌هایی که خداوند دوست داشته پنهان بماند، در ابتدا مورد غضب خداوند قرار می‌گیرد و همچنین مورد غضب و تنفر مردم، زیرا

---

<sup>۳۱</sup> عبدالله شبر، اخلاق، محمدرضا جباران، چاپ هشتم، قم: هجرت، ۱۳۸۴، ص ۲۳۴.

کسی که غیبت را می‌شنود اگر کمی تأمل کند می‌فهمد که این فرد همانطور که غیبت دیگران را نزد من می‌کند؛ غیبت من را نیز نزد دیگران می‌کند.

پس غیبت کننده در دل‌ها و چشم‌های مردم جایی ندارد و مورد غضب خدا و تنفر مردم است. البته این مبعوضیت فقط منحصر به دنیا نیست بلکه به نوعی هم دنیوی و هم اخروی است.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «از غیبت کردن پرهیز که این کار تو را نزد خدا و مردم مبعوض می‌سازد و پاداشت را بر باد می‌دهد».<sup>۳۲</sup> گاهی به انسان نسبت کار زشتی داده می‌شود و فرد برای پاک و منزه کردن خود، آن عمل را به دیگری نسبت می‌دهد به این نحو که می‌گوید: من این کار را نکردم، فلان کس چنین کرد این فرد باید بداند که با رها کردن خود از غضب مردم، خود را در غضب خالق گرفتار نموده که مرتبه سخت‌تر و شدیدتر است به امید این که از غضب مردم در آینده نجات یافته باشد و این نهایت نادانی و واماندگی است.

امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «غیبت کردن، نشانه‌ی منافق است».<sup>۳۳</sup>

زیرا انسان منافق است که در غیاب برادر دینی خود به افشاگری عیوب او می‌پردازد. هر چند او قصدش خراب کردن شخصیت فرد غایب است ولی جز خودش را ضایع نکرده است. چرا که امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرمایند:

«غیبت نکن که از تو غیبت می‌شود و برای برادرت چاه مکن که خود در آن می‌افتی زیرا به هردست بدهی با همان دست پس می‌گیری».<sup>۳۴</sup> به طور کلی عشق به حسن و کمال، و تنفر و انزجار از زشتی و

---

<sup>۳۲</sup> عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالحکم، آقا جمال الدین خوانساری، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۰، ص ۸۹۹.

<sup>۳۳</sup> - همان، ص ۲۶۳۲.

<sup>۳۴</sup> محمدبن علی ابن بابویه، الخصال، علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، ص ۴۳۴.

نقص از فطرت الهی انسان سرچشمه می گیرد «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»<sup>۳۰</sup> انسان ها کسی را که از غیبت و بدگویی پشت سر دیگران دوری کند دوست دارند و در مقابل، از کسی که زبان بی بند باری دارد و به انگیزه های مختلفی مانند گرم کردن بزم دوستان آبروی دیگران را از بین می برد و از آن ها بدگویی می کند و عیوب پنهانی آن ها را بر ملا می سازد بی زار و دل زده اند، از همین رو برخی از علما از جمله امام خمینی (رحمه الله) قبح «غیبت» را فطری می دانند. همانطور که انسان به اقتضای فطرت الهی که دارد هیچ گاه به خوردن گوشت برادر مرده ی برادر خود تن نمی دهد هم چنین اگر فطرت الهی او خاموش نشده باشد بر خود نمی پسندد که عیب و نقص پنهان مردم را فاش کند و آبرو و کرامت و اعتبار دیگران را در غیاب آن ها مخدوش کند و هم چنین از کسی که مرتکب چنین کاری هم شود متنفر است چرا که چنین رفتارهایی مخالف فطرت پاک الهی است امام خمینی (رحمه الله) در این باره می فرمایند:

«اما آثار آن در این عالم آن است که انسان از چشم مردم می افتد و اطمینان آن ها از او سلب می شود. طباع مردم بالفطره مجبول به حبّ کمال و نیکویی و خوبی و متنفر از نقص و پستی و زشتی است. و بالجمله، فرق می گذارند بین اشخاصی که احتراز از هتک مستور و از کشف اعراض و سرائر مردم کنند و غیر آن ها. حتی خود مغتاب نیز شخص محترز از این امور را از خود ممتاز داند، فطرتاً و عقلاً. اگر کار را از حد گذراند و پرده ناموس اعراض مردم را درید، خداوند او را در همین عالم رسوا می

<sup>۳۰</sup> محمدبن علی ابن بابویه، الخصال، علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، ص ۴۳۴.



کند، چنان چه در روایت اسحاق بن عمار که سبق ذکر یافت مذکور است<sup>۳۶</sup> و باید انسان بترسد از آن رسوایی که به دست حق تعالی واقع شود که جبران پذیر نخواهد بود.<sup>۳۷</sup>

### ۲.۱.۳. عدم استجابت دعا

برخی گناهان در عدم اجابت دعا تأثیر بیشتر دارند و توفیق دعا کردن یا شرکت در مجالس دعا را از انسان سلب می‌کنند.

همه ما خیلی دوست داریم وقتی که از درگاه خداوند درخواست و خواهشی در قالب دعا داریم خداوند آن را برآورده کند، اما از طرفی غافلیم شاید عده‌ای به خاطر غفلت و عیب جویی ما، از ما راضی نباشند در واقع یکی از راه‌های استجابت دعا کسب رضایت دیگران است و بر اساس روایات زیاد رضایت خداوند از مجرای رضایت مخلوقاتش می‌گذرد کما اینکه بسیاری از عبادات به خاطر عدم ادای حق الناس روی زمین می‌ماند و به بالا نمی‌رود.

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «گناهانی که مانع استجابت دعا می‌شوند عبارتند از: بددلی و سوءظن به مؤمنان و کارهای آنان؛ طینت و درونی ناپاک داشتن؛ نفاق و دورویی با برادران و خواهران ایمانی و...». و البته غیبت کردن هم شامل بددلی می‌شود، هم سرچشمه از درونی ناپاک دارد و هم نوعی نفاق و دورویی نسبت به برادران و خواهران ایمانی است. در روایت آمده که امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

---

<sup>۳۶</sup> «اسحاق بن عمار به روایت امام صادق (علیه السلام) از پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده است که فرمود: ای کسانی که به زبان اسلام آورد، و هنوز ایمان بر دلهایتان ننشسته، مسلمانان را نکوهش نکنید و در جستجوی عیب های آنان نباشید چرا که هر کس در جست جوی عیب های آنان باشد، خداوند از عیب او جست و جو خواهد کرد و هر که را خداوند در جستجوی عیبش بر آید، هر جا که باشد - ولو در خانه اش - رسوایش می‌کند.» (الکافی، ج ۲، ص ۳۵۴).

<sup>۳۷</sup> روح الله خمینی موسوی، شرح چهل حدیث، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۱، ص ۳۱۲ - ۳۱۱.

«همانا بنده حاجتی از حوائج دنیوی را از خداوند - تبارک و تعالی - درخواست می کند و خداوند می خواهد تا مدت زمان مشخص (دور یا نزدیک) آن حاجت را برآورد. سپس بنده در همان زمان گناهی را مرتکب می شود پس خداوند به فرشته ای که برای برآوردن حاجت او گماشته می فرماید: حاجت او را برآورده مکن و او را از آن محروم گردان زیرا او متعرض خشم و غضب من شد و مستحق محرومیت گردید.»<sup>۳۸</sup> این چنین است که انسان نادان بوسیله گناه، میان خود و حاجتش پرده محرویت می افکند.

مردی به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرض کرد: خداوند می فرماید: «ادعونی استجب لکم» پس چرا ما دعا می کنیم ولی اجابت نمی شود؟ حضرت فرمودند: چون دل های شما در هشت مورد خیانت و بی وفایی کرد:

۱ خدا را شناختید، ولی حقش را آن گونه که بر شما واجب بود، ادا نکردید. از این رو آن معرفت به کار شما نیاید.

۲ به پیامبر خدا ایمان آوردید، ولی در عمل با سنت و روش او مخالفت کردید، ثمره ایمان شما چه شد؟

۳ کتاب خدا را خواندید، ولی در عمل با آن مخالفت کردید.

۴ گفتید ما از آتش دوزخ می ترسیم ولی در همه حالات به واسطه گناهان خود به سوی جهنم می روید.

۵ گفتید ما به بهشت تمایل داریم، ولی کارهایی انجام می دهید که شما را از بهشت دور می سازد.

۶ نعمت های خدا را استفاده می کنید ولی شکر و سپاسگزاری نمی کنید.

---

<sup>۳۸</sup> - علی بن موسی ابن طاووس، ادب حضور ترجمه فلاح السائل، محمد روحی، قم: انصاری، ۱۳۷۹، ص ۸۶.

۷ خداوند فرمود: شیطان دشمن شما است، شما نیز او را دشمن بگیرید. شما به زبان او را لعن می‌کنید ولی در عمل با او دوستی می‌نمایید و از او اطاعت می‌کنید.

۸ عیب‌های مردم را برابر دیدگان‌تان قرار می‌دهید و عیب‌های خود را پشت سر انداخته‌اید؛ در نتیجه کسی را ملامت می‌کنید که خود به ملامت سزاوارتر از او هستید.

با این وضع چه دعایی از شما مستجاب شود در صورتی که شما راه‌ها و درهای دعا را بر روی خود بسته‌اید؟!<sup>۳۹</sup> پس اعمال خود را اصلاح نموده و قلب خود را خالص گردانید.

#### ۲.۱.۴. باز ماندن (غافل شدن) از عیوب خویش

خداوند متعال نقص و کاستی را وجه مشترک همه انسان‌ها به جز اهل بیت (علیهم السلام) قرار داده است و به همین دلیل آنها را از عیب‌جویی منع و مکلف نموده است تا همت خود را صرف اصلاح نقایص خویش کنند و از پرداختن به عیوب دیگران و سرزنش آن‌ها پرهیز نموده و باب عیب‌جویی از دیگران را بر خود مسدود نمایند در این زمینه حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ ابْصَرَ عَيْبَ نَفْسِهِ لَمْ يَعِْبْ أَحَدًا»<sup>۴۰</sup> هر کس به عیب خود بصیر و بینا شود از کسی عیب‌جویی نمی‌کند.

پس کسی که در مهلکه‌ی غیبت گرفتار گردد واضح است که از عیوب خود باز مانده است و همتی بر اصلاح نقایصش نخواهد داشت. زیرا نیروهای انسانی محدود است و اگر نیروی انسان صرف تضييع آبروی اشخاص گردد دیگر نیرویی برای رقابت‌های صحیح و سازنده باقی نمی‌ماند.

حضرت امیر المومنین (علیه السلام) در نهی از عیب‌جویی مردم خطبه‌ای بیان نموده اند که می‌فرماید: «به کسانی که گناه ندارند، و از سلامت دین برخوردارند، رواست که به گناهکاران ترحم کنند و شکر

---

<sup>۳۹</sup> مصطفی حسینی، همان، ص ۱۷۷.

<sup>۴۰</sup> - همان، ص ۱۶۳.

این نعمت گزارند، که شکرگزاری آنان را از عیب جویی دیگران باز دارد چرا و چگونه آن عیب جو، عیب برادر خویش گوید؟ و او را به بلایی که گرفتار است سرزنش می‌کند؟ آیا به خاطر ندارد که خدا چگونه او را بخشید و گناهان او را پرده پوشی فرمود؟ چگونه دیگری را بر گناهی سرزنش می‌کند که همانند آن را مرتکب شده! یا گناه دیگری انجام داده که از آن بزرگتر است؟ به خدا سوگند! گر چه خدا را در گناهان بزرگ عصیان نکرده و تنها گناه کوچک مرتکب شده باشد، اما جرأت او بر عیب جویی از مردم، خود گناه بزرگتری است. ای بنده خدا، در گفتن عیب کسی شتاب مکن، شاید خدایش بخشیده باشد، و بر گناهان کوچک خود ایمن مباش، شاید برای آنها کیفر داده شوی! پس هر کدام از شما که به عیب کسی آگاه است، به خاطر آنچه که از عیب خود می‌داند باید از عیب جویی دیگران خود داری کند، و شکرگزاری از عیوبی که پاک است او را مشغول دارد از اینکه دیگران را بیازارد.<sup>۴۱</sup>

## ۲.۱.۵. سلب اعتماد و آسیب دیدن انسجام اجتماعی مسلمین

غیبت مهمترین سرمایه جامعه یعنی «سرمایه اعتماد» را از بین می‌برد زیرا غالب اشخاص دارای نقاط ضعفی هستند که سعی در کتمان آن دارند و با پوشیده ماندن آن عیوب اعتماد مردم به نسبت به یکدیگر باقی و پا برجا می‌ماند ولی کشف و افشای آن عیوب، اعتماد متقابل افراد جامعه را سست می‌کند و بدون این اعتماد متقابل جامعه بشری جهنم سوزانی می‌شود که مشکلات زندگی اجتماعی را دارد ولی از منافع آن خبری نخواهد بود. بنابراین پرهیز از عناصر گسست پیوندهای ایمانی در جامعه اسلامی لازم است همانگونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»<sup>۴۲</sup> و یکدیگر را به گناه کاری و ستم بر دیگران یار مپاشید.» از مهم ترین اهداف انبیاء بزرگ الهی (علیهم السلام) تشکیل مدینه فاضله و جامعه نیکوست که این مهم زمانی اتفاق می‌افتد که مردم با یکدیگر

<sup>۴۱</sup> - محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، قم: موسسه تحقیقاتی امیر المومنین، ۱۳۸۱، خطبه ۱۴۰، ص ۱۸۵.

<sup>۴۲</sup> - المائده (۵)، آیه ۲۰.

الفت، محبت، صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری داشته باشند به طوری که افراد همگی به منزله یک شخص باشند در این صورت چنین ملتی می تواند به ملتهای دیگر پیروز شوند بر همین اساس و روایاتی که در این زمینه وجود دارد مسلمین مأمور و موظفند که با یکدیگر دوستی و مودت ورزند و طبعاً آن چه این دوستی و مودت کم کنند ناپسند است و واضح است که غیبت موجب کینه و دشمنی و بغض شده و وحدت اجتماع را از بین می برد.

از بین رفتن اعتماد عمومی منشأی است برای سوء ظن نسبت به همگان و باعث می شود که افراد به همه نگاهی بد بینانه داشته باشند. زیرا هنگامی که عیوب مخفی جمعی از افراد از طریق غیبت آشکار گردد انسان نسبت به همه پاکان و نیکان هم بدبین می شود و می گوید لابد آن ها نیز در خلوت خود چنین مواردی را دارند که ما خبر نداریم. از طرف دیگر انسان عیب برادر مؤمنش را بگوید اعتماد دیگران را از او و حتی از خودش سلب می کند؛ زیرا دیگران به این باور می رسند که او شخص مطمئنی نیست و اسرار اشخاص را فاش می سازد.

هر آن کوبرد نام مردم به عار      تو خیر خود از وی توقع مدار

که اندر قفای تو گوید همان      که پیش تو گفت از پس مردمان

#### ۲.۱.۶. اشاعه زشتی ها

غیبت یکی از علل و اسباب اشاعه فحشا است چرا که هنگامی که گناهان مخفی افراد از طریق غیبت آشکار می گردد دیگران نیز تشویق به گناه می شوند و اصولاً ابّهت و قبح گناه از بین می رود و زشتی و قبحی که عمل باز گو شده پیش از غیبت نزد شنونده داشت، شکسته می شود و یا دست کم ضعیف می شود و عذر و بهانه ای برای آلودگان می شود به همین سبب غیبت کننده و غیبت شنونده هر دو در این گناه شریکند و هر دو در قبال این اشاعه زشتی ها در جامعه مسئولند.

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که فرموده اند: «مَا رَأَتْ عَيْنَاهُ وَ مَا سَمِعَتْ أُذُنَاهُ كَانَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ؛<sup>۴۳</sup> کسی که درباره مؤمنی آنچه چشمش (از بدی ها) می بیند و گوشش می شنود بگوید» او از کسانی است که خداوند متعال در حق آنان فرموده: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛<sup>۴۴</sup> کسانی که دوست دارند کارهای زشت در میان مؤمنان شایع شود عذاب دردناکی دارند.»

هم چنین در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «فَإِنْ هُوَ لَمْ يَرُدَّهَا وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى رَدِّهَا كَانَ عَلَيْهِ كَوْزَرٌ مَنِ اغْتَابَهُ سَبْعِينَ مَرَّةً؛<sup>۴۵</sup> کسی که بتواند غیبت برادر خود را رد کند و کوتاهی ورزد گناه او هفتاد برابر شخص غیبت کننده است.»

که مرحوم شیخ انصاری پس از ذکر روایت فرموده اند: شاید علت افزایش گناه مستمع در این مورد به خاطر آن است که سکوت آن موجب تجری و جرأت غیبت کننده می شود و در نتیجه او را در ارتکاب مجدد غیبت و دیگر گناهان تشویق می کند.<sup>۴۶</sup>

علاوه بر این مطلب سکوت در چنین موقعیت هایی زمینه را برای شایعه پراکنی و هتک حرمت افراد فراهم نموده و اذهان مردم را نسبت به یکدیگر بدبین می سازد و باعث سلب اعتماد عمومی می شود و چه بسا اشخاص مفید و خدمتگذاری که در اثر همین غیبت ها و شایعه پراکنی های بی اساس مظلومانه از صحنه کنار رفته اند و کسی از آن ها دفاع نکرده در حقیقت سکوت در مقابل غیبت و عدم دفاع از کسانی که آماج تهمت ها و غیبت ها قرار می گیرند جامعه را به از هم گسستگی و ناامیدی سوق می دهد و خدمتگذاران صدیق را سرخورده می کند در این صورت دیگر نهی از منکر

<sup>۴۳</sup> - محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹، ص ۸۲.

<sup>۴۴</sup> - نور (۲۴)، آیه ۱۹.

<sup>۴۵</sup> محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، محقق علی اکبر غفاری، ج ۴، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۵.

<sup>۴۶</sup> - محمد رضا مهدوی کنی، نقطه های نماز در اخلاق عملی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۱.

به تنهایی نمی تواند حقوق این گونه ظلومانی را استیفاء کند بلکه علاوه بر نهی از منکر مطالبی که در اثر غیبت و تهمت به شخص نسبت داده شده باید رد شود یعنی با توجیه صحیح و دفاع درست و منطقی باید افکار و تصورات ناروا را از اذهان عمومی زدود و بدبینی ها را به خوش بینی مبدل نمود تا از شخص غیبت شده اعاده حیثیت شود و حقوق پایمال شده اش به او برگردانده شود پس «برای جلوگیری از غیبت در قدم اول لازم است که از گوش دادن به سخنان غیبت کننده خودداری کنیم و به او میدان ندهیم وقتی شنونده از خود سردی نشان دهد سخن گوینده گل نمی کند شنوندگان زود باور سبب می شوند که بدگویان و غیبت کنندگان به حرف های خود آب و رنگ بیشتری دهند حتی از غیبت پا را فراتر نهند و به تهمت های ناروا هم دست بزنند بدین جهت است که اسلام شنونده غیبت را با گوینده آن شریک می داند»<sup>۴۷</sup> و حتی گناه او را هفتاد برابر بیان نموده.

## ۲.۱.۷. ریختن آبرو و شکستن حرمت افراد

مهمترین سرمایه انسان آبرو و شخصیت اجتماعی اوست در حالی که غیبت کننده این سرمایه گران بها را از بین می برد و باعث می شود حرمت افراد در جامعه شکسته شود.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «الْمُسْلِمُ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عِرْضُهُ»<sup>۴۸</sup> خون و مال و آبروی مسلمان بر مسلمان حرام است.

در آیه ۱۲ سوره ی حجرات خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أ يَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» ای اهل ایمان از بسیاری از پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز از حال درونی هم تجسس نکنید و غیبت یکدیگر را روا

<sup>۴۷</sup> - محمد حسابدار، مفاتیح السعادة مسیر رستگاری، اراک: توشه، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸.

<sup>۴۸</sup> - مهدی نراقی، همان، ج ۲، ص ۴۰۲.

مدارید آیا شما دوست دارید گوشت برادر مرده خود را بخورید البته کراهت و نفرت دارید از خدا بترسید که خدا بسیار توبه پذیر و مهربانست.» از غیبت تعبیر به خوردن گوشت برادر مرده شده و تأکید روی گوشت شاید به خاطر این باشد که گوشت روی استخوان را گرفته است و اگر گوشت نبود جلوه‌ی انسان خیلی زشت می‌شد؛ حال در غیبت نیز که آبروی فرد می‌رود چهره‌ی فرد، زشت جلوه می‌کند؛ پس همانطور که با برداشته شدن گوشت، استخوان انسان پیدا می‌شود با برداشته شدن آبرو نیز زشتی‌های انسان ظاهر می‌شود.

و تعبیر برادر مرده به خاطر این است که غیبت در غیاب افراد صورت می‌گیرد که همچون مردگان قادر بر دفاع از خویشتن نیستند و هم چنین اگر قسمتی از بدن مرده جدا شود و به او نقصی وارد شود دیگر ترمیم نمی‌شود غیبت انسان مومن هم نقص وارد کردن به شخصیت و آبروی اوست و این ناجوان مردانه‌ترین ستمی است که ممکن است انسان درباره‌ی برادر خود روا دارد. آری این تشبیه بیانگر زشتی فوق العاده و گناه عظیم غیبت است غیبت کننده با رفتار ناروایش آبروی دیگران را به خطر می‌اندازد؛ از این رو خداوند هم آبروی او را در معرض خطر قرار می‌دهد و او را در دنیا رسوا می‌کند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا تَغْتَبُ فَتُغْتَبَ وَلَا تَحْفِرُ لِأَخِيكَ حُفْرَةً فَتَقَعَ فِيهَا فَإِنَّكَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ»<sup>۴۹</sup> غیبت نکن که مورد غیبت واقع می‌شوی و برای برادرت گودالی نکن که خود در آن خواهی افتاد.» به راستی که انسان به هر طریقی که با دیگران رفتار نماید همانگونه با او رفتار خواهد شد. گاهی حسادت به دیگران انگیزه‌ای می‌شود برای این که فرد بخواهد آبروی فرد را بریزد انسان باید به خود آید که تا کی زیر ضربات تازیانه حسد شکنجه شوم. در زندگی دنیا حسرت موقعیت‌های دیگران را بخورم و هم چنین در آخرت که صورت واقعی اعمال ظاهر می‌شود با یک شعله سوزنده

---

<sup>۴۹</sup> - محمد بن علی ابن بابویه، الامالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶، ص ۴۲۰.



«نَارُ حَامِيَةٍ»<sup>۵۰</sup> و آتش خورنده «نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ»<sup>۵۱</sup> روبه رو کردم و جانم بسوزد پس با مساحبه ضررهای دنیوی و اخروی این انگیزه، همت را بر ترک این رذیله زشت اخلاقی جزم کند و هر گفتار و رفتاری را که هم سویی با حسد دارد کنار بگذارد و در عوض ضدش را جسورانه انجام دهد از هر کس که خواست بدی بگوید علی رقم میل باطنی اش تعریف و تمجید کند و به هر کس خواست بی اعتنایی کند، شایسته ترین تکریمات را برای او قائل شود.

#### ۲.۱.۸. ایجاد عداوت و کینه

از آنجا که غیبت آبروی مؤمن را می برد اورا دشمن غیبت کننده می کند هم چنین دوستان کسی که از او غیبت شده، به غیبت کننده به دید دشمنی می نگرند هر چند دیدشان درباره کسی که نقضش بیان شده نیز عوض می شود و بنابراین با غیبت خشم بندگان خدا و خشم خداوند را با هم برانگیخته در حالی که اسلام به تشکیل جامعه‌ای نظر دارد که در آن روابط میان اعضای آن صمیمانه باشد و بر پایه‌ی بندگی خدا این پیوند صمیمانه نیرومند باشد و به طور کلی تمامی اوامر و نواهی آن به خاطر مصالح فردی و اجتماعی آن می‌باشد.

پرهیز و دوری گزیدن از عناصری که مایه‌ی گسست پیوندهای ایمانی در جامعه اسلامی است و دل های مؤمنان را نسبت به یکدیگر از کینه و دشمنی لبریز می کند دعوت می‌نماید: «لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»<sup>۵۲</sup> و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمائید»

و درست به همین دلیل درسوره‌ی حجرات که آراسته به آداب و منش‌های انسانی و بیانگر اندکی از تعالیم بسیار دفتر ادبستان الهی است ابتدا مسخره کردن انسان‌ها، عیب جوئی از آن‌ها، خواندن افراد با

---

<sup>۵۰</sup> - القارعه (۱۰۴)، آیه ۱۱.

<sup>۵۱</sup> - الهمزه (۱۰۴)، آیه ۶.

<sup>۵۲</sup> - المائده (۵)، آیه ۲.

نصب های بد و ناخوش، گمان های بد تفتیش و کنجکاوی در امور شخصی دیگران و در نهایت غیبت و بد گویی در پشت سر مردم را از گناهان بزرگ شمرده و مردم را با ندای محبت آمیز و مشفقانه از این گناه که مایه‌ی عداوت بین مسلمین است نهی نموده است. و می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» زیرا تقوا مایه آرامش روحی می‌شود بر خلاف گناه و غیبت که اضطراب و کدورت به بار می‌آورد و انسان با اندک تأملی در مقایسه این دو حالت بی‌شک راه آرامش و سعادت را بر می‌گزیند.

## ۲.۱.۹. نزول مصائب و کم شدن روزی:

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَجَسَّسُوا؛ هرگز از حال درونی یکدیگر تجسس نکنید.» کلمه تجسس با جیم به معنای پی‌گیری و تفحص از امور مردم است، اموری که مردم عنایت دارند پنهان بماند و تو آن‌ها پی‌گیری می‌کنی تا خبر دار شوی.

کلمه «تجسس» با حاء بی نقطه نیز همین معنا را می‌دهد با این تفاوت که تجسس با -جیم- در شر استعمال می‌شود و تحسس - با حاء - در خیر به کار می‌رود و به همین جهت بعضی گفته‌اند: معنای آیه این است که: دنبال عیوب مسلمانان را نگیرید و در این مقام بر نیایید که اموری که صاحبانش می‌خواهند پوشیده بماند آن‌ها را فاش سازید نافرمانی از اوامر الهی مصیبت و بلا را در پی دارد در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که فرمودند: «أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِرْقٍ يَضْرِبُ وَلَا نَكْبَةٍ وَلَا صُدَاعٍ وَلَا مَرَضٍ إِلَّا بِذَنْبٍ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَالَتْ ثُمَّ قَالَ وَ مَا يَعْفُو اللَّهُ أَكْثَرُ مِمَّا يُؤَاخِذُ بِهِ»<sup>۵۳</sup> آگاه باشید و بدانید که هیچ رگی نمی‌جنبند و هیچ مصیبت و سردرد و بیماری پیش نمی‌آید جز به دلیل ارتکاب گناهی، مفهوم قول خداوند

<sup>۵۳</sup> - محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ص

در قرآن مجید جز این نیست که هر مصیبتی که به شما روی می آورد به سبب چیزی است که خود خواسته اید اما خداوند از بسیاری از خطاهای شما در می گذرد. آن گاه امام فرمود، در هر حال کار خداوند بیشتر گذشت است تا مواخذه.<sup>۴۰</sup> و البته بخشش خداوند در حق الله است اما در مورد گناهایی که چون غیبت حق الناس است ابتدا باید این حق الناس بر طرف شود پس نوبت به بخشش خدا می رسد.

نمونه ای از نزول مصائب و گرفتاری ها، کم شدن رزق و روزی است که به فرموده امام باقر (علیه السلام) آن هم از نتایج گناه و نافرمانی خداوند است آنجا که فرموده اند: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُزَوَّى عَنْهُ الرِّزْقُ»<sup>۴۱</sup> چون بنده خدا مرتکب گناه شود به واسطه ارتکاب گناه به بلای کم شدن روزی دچار می شود.<sup>۴۲</sup>

غیبت کردن نمونه بارزی از نافرمانی خداوند است غیبت یعنی گوشت برادر مؤمن را خوردن (غیبت کردن لاشخوری است و معلوم است آن خانه ای که محل خوردن لاشه باشد آن خانه ای که در آن سگ ها زندگی می کنند برکت ندارد. این خانه دیگر لطف خدا، نظر خدا روی آن نیست این خانه دیگر تقدس ندارد).<sup>۴۳</sup>

#### ۲.۱.۱۰. سلب توفیق از انجام اعمال صالحه

معصیت و ارتکاب گناه که یکی از موارد روشن آن غیبت درباره دیگران است سبب سلب توفیق از انجام اعمال نیکو می شود نقل دو روایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام ششم (علیه السلام) نشان می دهد که هر گناهی ترک ثوابی را در پی دارد و تأثیر گناه در شخصیت فردی که مرتکب آن می شود به تعبیر

---

<sup>۴۰</sup> - همان، ج ۷۰، ص ۳۱۸.

<sup>۴۱</sup> - حسین مظاهری، اخلاق در خانه، ج ۱، قم: نشر اخلاق، ۱۳۷۳، ص ۱۵۱.

امام صادق (علیه السلام) از اثر چاقو بر گوشت روان تر و آسان تر است عن رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) «اتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّهَا مَمْحَقَةٌ لِلْخَيْرَاتِ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَنْسَى بِهِ الْعِلْمَ الَّذِي كَانَ قَدْ عَلِمَهُ وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَمْتَنِعُ بِهِ مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُحْرَمُ بِهِ الرِّزْقَ وَ قَدْ كَانَ هَيِّنًا لَهُ»<sup>۵۶</sup> از گناهان دوری کنید: زیرا گناهان خیرات را محو می کند (بر همین اساس است که گاهی) بنده ای مرتکب گناه می شود و به سبب آن علمی را که یاد گرفته بود فراموش می کند و بنده ای گناه مرتکب می شود و به واسطه آن موفق به شب زنده داری (جهت اقامه نماز و راز و نیاز با معبود خود) نمی گردد و بنده ای گناهی می کند به جهت آن از رزقی که همیشه گوارایش بوده محروم می گردد. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام)، قَالَ: «إِنَّ الرَّجُلَ يُذْنِبُ الذَّنْبَ، فَيُحْرَمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ، وَ إِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنْ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ»<sup>۵۷</sup> به راستی که مرد مرتکب گناهی می شود و در نتیجه از انجام نماز شب محروم می ماند و حقاً که کردار زشت از چاقویی که در گوشت فرو می رود سریع تر در صاحب خود اثر می گذارد.»

عن ائمه (علیهم السلام): «جِدُّوا وَ اجْتَهِدُوا وَ إِنْ لَمْ تَعْمَلُوا فَلَا تَعْصُوا فَإِنَّ مَنْ يَبْنِي وَ لَا يَهْدِمُ يَرْتَفِعُ بِنَاؤُهُ وَ إِنْ كَانَ يَسِيرًا وَ إِنْ مَنْ يَبْنِي وَ يَهْدِمُ يُوشِكُ أَنْ لَا يَرْتَفِعَ بِنَاؤُهُ»<sup>۵۸</sup> از ائمه (علیهم السلام) نقل شده که فرمودند: در راه بندگی خدا جدیت و تلاش بسیار کنید، اگر عمل نمی کنید پس گناه هم نکنید چون کسی که ساختمانی را بنا نماید و ساخته ی خود را منهدم نسازد، بنای ساختمان او به تدریج بالا می رود، لکن آن کسی که به سرعت مشغول ساختن باشد، اما از طرف دیگر ساخته خود را ویران کند،

<sup>۵۶</sup> - احمد بن محمد ابن فهد حلی، عدة الداعی و نجاح الساعی، احمد موحدی قمی، تهران: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۱۱.

<sup>۵۷</sup> - محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۴، ص ۱۰۲.

<sup>۵۸</sup> - محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۷، ص ۲۸۶.

ساخته او هرگز بلند نخواهد شد» و اعمال نیک انسان نیز مانند همین ساختمان است که با گناه ویران می شود.<sup>۵۹</sup>

## ۲.۱.۱۱. تباه شدن قلب

قلب انسان مقدس ترین و عالی ترین عضو بدن انسان است. با تباه شدن قلب، زندگی، افکار و افعال انسان نیز رنگ پلیدی و تباهی به خود خواهد گرفت.

هم چنان که با پاک بودن و روشن بودن قلب، افکار و اندیشه های او نیز، تبلوری از نور و هدایت خواهد بود. در احادیث گوناگون از اثر منفی گناه در قلب انسان سخن به میان آمده و به فرزندان بشر سفارش و هشدار باش داده شده است که با ادامه و اصرار بر گناهان، قلب او سیاه و تباه خواهد شد.

غیبت کردن که هم به خاطر سرپیچی از فرمان الهی گناهی است که حق الله است و هم به خاطر از بین بردن حیثیت و آبروی مؤمن حق الناس است گناهی است که باعث می شود قلب انسان دچار فساد و تباهی شود و اگر انسان به طور مستمر در همه مجالس به این رذیله عادت کند و نقل مجلسش همیشه غیبت باشد کم کم این گناه در روح و جان او اثر می گذارد و برای او ملکه می شود و علاوه بر تمام زبان های مادی و معنوی که برای فرد و جامعه به دنبال دارد باعث وارونگی دل انسان می شود و چون دل انسان سیاه و وارانده شود دیگر امید به نجات او از ظلمات گناه قطع می شود به طوری که خوب را بد، بد را خوب می داند و اختلال در تشخیص طبیعی و فطری انسان ایجاد می شود و به قول علمای اخلاق یک نوع خرفتی و مستی را در انسان به وجود می آورد که نتیجه آن عدم درک حقایق می شود و قوه واقع بینی و حقیقت شناسی را از دست می دهد و علی رقم سالم بودن ظاهری حواس دیگر قادر به درک و فهم حقایق نمی شود شاید بسیار دیده باشید افرادی را که چون غیبت برای آن ها که ملکه

---

<sup>۵۹</sup> - حسین کریمی زنجانی، همان، ۴۱، ۴۶.

شده و امری عادی برایشان جلوه می کند به راحتی غیبت می کند و غیبت و گناه بودن آن را انکار می کنند.

همان گونه که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «احْذَرُ سُكْرَ الْخَطِيئَةِ فَإِنَّ لِلْخَطِيئَةِ سُكْرًا كَسُكْرِ الشَّرَابِ بَلْ هِيَ أَشَدُّ سُكْرًا مِنْهُ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى صُمُّكُمْ عُمَى فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ»<sup>۶۰</sup> از مستی گناه بهره‌یزید چرا که گناه مستی می آورد درست مانند مستی شراب، بلکه مستی گناه از مستی شراب نیز شدیدتر است چنان که خداوند در قرآن می فرماید: معصیت کاران کر و لال و کور (یعنی بی بصیرت) هستند که هرگز به طرف سعادت بر نمی گردند.»

عملاً مشاهده نموده ایم که قسمتی از گناهان حالت بی بصیرتی و مستی و غرور کاذب در انسان به وجود می آورد مانند کسی که غیبت دیگران را می کند و عیب آن ها را بر ملا می کند و می انگارد که خود از آن عیوب بری و پاک است زیرا این مستی گناه قدرت تفکر را در او سلب می کند و این که حضرت فرموده اند از مستی شراب بدتر است به این دلیل است که مستی شراب موقتی است و فقط حواس ظاهری را از بین می برد و کوتاه مدت است لکن مستی گناه در اعماق جان آدمی رسوخ می کند و فطرت انسان را کور می سازد مثلاً فردی که با بیان عیب دیگران می خواهد فضیلتی را برای خود به اثبات برساند به گمان باطل خود کمالی را برای خود کسب کرده در حالی که غافل است از این که با غیبت از دیگران از ارزش خود نزد آن جمع کاسته است و دیگران از او سلب اعتماد می کنند. در حالی که اگر با فطرت سالم اندیشه کند در می یابد که با ترک این گناه می تواند آثار و برکات حقیقی برای خود کسب کند .

---

<sup>۶۰</sup> - حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، شریف رضی، چاپ چهارم، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰ ش، ص ۴۵۳.

## ۲.۱.۱۲. تحمل فشار شدید هنگام قبض روح

رابطه جسم و جان و پیوند تن و روح به گونه ای است که به طور طبیعی هنگام مفارقت روح و جسم ضایع می شود و در هر حالی نوعی از فشار را متحمل می شود اما تن گناهکار بسیار بیشتر از جسم فرد صالح شکنجه می شود چرا که هم ظلمات نبود روح را باید تحمل کند و هم مجال بازگشت به عمل صالح را یکسره از دست می دهد. بنابراین جسم گناهکار در هنگام گسستن از روح غذایی مضاعف را تحمل می کند با روایت از امام ششم (علیه السلام) این معنی را بیشتر می توان فهمید: عن ابی عبد الله (علیه السلام) قال: «يَا مُفَضِّلُ إِيَّاكَ وَ الذُّنُوبَ وَ حَذْرَهَا شِيعَتَنَا فَوَ اللَّهُ مَا هِيَ إِلَى أَحَدٍ أَسْرَعَ مِنْهَا إِلَيْكُمْ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَتُصِيبُهُ الْمَعْرَةُ مِنَ السُّلْطَانِ وَ مَا ذَاكَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ وَ إِنَّهُ لَيُصِيبُهُ السُّقْمُ وَ مَا ذَاكَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ وَ إِنَّهُ لَيُجَبِّسُ عَنْهُ الرِّزْقُ وَ مَا هُوَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ وَ إِنَّهُ لَيَشْدُدُّ عَلَيْهِ عِنْدَ الْمَوْتِ»<sup>۶۱</sup> از امام صادق (علیه السلام) ای مفضل! از گناهان بهره‌یز و شیعیان ما را نیز از گناهان بر حذر دار. سوگند به خدا که گناهان به سوی هیچ کس با شتاب تر از آن که به سوی شما می آیند نمی روند، همانا کسی از شما هنگام مرگ دچار فشار زیاد می شود تا آنجا که کسی که در نزد او حاضر است می گوید: به خاطر مرگ دلتنگ و غمگین شده است و این نیست مگر به خاطر گناهانش.» علمای علم اخلاق معتقدند که کنترل زبان از انواع گناهان بسیار سخت و دشوار است هم چنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «إِنْ أَكْثَرَ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ»<sup>۶۲</sup> بیشتر اشتباهات انسان در زبان اوست.»

بنابراین به طور کلی می توان گفت گرفتار شدن به این صفت رذیله آثار زیانبار دنیوی زیادی را به دنبال دارد که در روایات بیان شده است و با تکرار این گناه و ملکه شدن آن بر نفس آدمی، این پیامدها، گریزناپذیر و حتمی است و زندگی دنیوی انسان را به تباهی و نابودی می کشاند. ابتدا قلب انسان را به تباهی می کشاند، عبادات را باطل می کند و توفیق اعمال صالح را از انسان سلب می کند. س بین او و دیگران دشمنی ایجاد کرده و فرد را نزد خدا و مردم مبعوض می کند.

<sup>۶۱</sup> - همان، ج ۱۱، ص ۳۳۲.

<sup>۶۲</sup> - محمد رضا مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، همان، ص ۱۳۷.

## **بخش دوم: فصل دوم**

### **فصل دوم: پیامدهای اخروی غیبت**

۲.۱. غیبت مانعی برای پذیرش اعمال نیک

۲.۲. غیبت نابود کننده‌ی دین

۲.۳. ثبت ثواب غیبت کننده به حساب غیبت شونده

۲.۴. عذاب قبر (مجازات عالم برزخ)

۲.۵. وارد شدن در ولایت شیطان

۲.۶. غیبت کردن مرتبه ای از حق الناس

۲.۷. مانعی بر پذیرش توبه (غیبت بدتر از زنا)

۲.۸. تأخیر پاداش و تقدیم مجازات

۲.۹. محرومیت از بهشت

۲.۱۰. تجسم زشت غیبت در روز قیامت



اعمال ما علاوه بر آثار و پیامدهای دنیوی نتایج اخروی نیز دارد که از آن‌ها گریزی نیست. مرگ پدیده‌ای است که در بستر حیات آدمی اتفاق می‌افتد. زندگی روح و روان ما پس از مرگ کالبدمان ادامه خواهد داشت و به واسطه جاودانگی روح، انسان‌ها باید به اوامر و نواهی قرآن و احادیث توجه کنند زیرا خداوند در همه مراحل زندگیمان ناظر به اعمال ما است و ما را در عرصه رستخیز با نتایج اعمالمان محشور می‌کند.

«أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ يَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ آگاه باشید که برای خدا است آنچه در آسمانها و زمین است، او می‌داند آنچه را که شما بر آن هستید، و روزی که به سوی او باز می‌گردند آن‌ها را از اعمالی که انجام دادند آگاه می‌سازد، و خدا به هر چیزی آگاه است.»<sup>۶۳</sup>

## ۲.۲. پیامدهای اخروی و معنوی غیبت

پیامدهای اخروی و معنوی غیبت از قرار زیر است:

### ۲.۲.۱. غیبت مانعی برای پذیرش اعمال نیک

شخص غیبت کننده اعمال نیک و حسناتش نیز مورد قبول درگاه الهی قرار نمی‌گیرد.

در روایتی مشهور از معاذ نقل شده است که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: فرشتگانی از سوی خداوند مأمور شده‌اند که اعمال نیک و بد بندگان را دریافت کنند. هنگامی که عمل نیک انسان را بالا می‌برند نور آن عمل آن قدر درخشان است که هم چون نور خورشید چشم را خیره می‌کند

فرشتگان با دریافت آن عمل بسیار خوشحال می شوند و آن را عملی بزرگ و شایسته می پندارند. آن عمل از آسمان بالا می رود تا به پیشگاه الهی عرضه شود در این هنگام، فرشته ای مانع پذیرفته شدن آن عمل به درگاه الهی پروردگار می گردد و می گوید: من فرشته ای هستم که پروردگار مرا مأمور ساخته است نگذارم عمل هیچ شخص غیبت کننده ای از این مقام و مرتبه بالا برود و به پیشگاه الهی عرضه شود.<sup>۶۴</sup>

## ۲.۲. غیبت نابود کننده ی دین

زبان وسیله ای دو سویه است، یک سو سعادت را برای صاحب خود به همراه دارد و از سوی دیگر شقاوت و نابودی را.

وجود مقدس سیدالساجدین حضرت امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند: «حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحَقُّ اللِّسَانِ إِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَى وَتَعْوِيدُهُ الْخَيْرَ وَتَرْكُ الْفُضُولِ الَّتِي لَا فَائِدَةَ لَهَا وَالْبِرُّ بِالنَّاسِ وَحُسْنُ الْقَوْلِ فِيهِمْ»<sup>۶۵</sup> حق نفست بر تو این است که او را در اطاعت خدا به کاربری و حق زیانت این است که از دشنامش نگه داری و به سخن خوش بگماری و سخن ناهنجارنگویی. امام علی (علیه السلام) از قول پیامبر (صلی علیه وآله وسلم) در این باره فرموده اند: «لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَ لَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ» فَمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَهُوَ نَقِيُّ الرَّاحَةِ مِنْ دِمَائِ الْمُسْلِمِينَ وَ أَمْوَالِهِمْ سَلِيمُ اللِّسَانِ مِنْ أَعْرَاضِهِمْ فَلْيَفْعَلْ!<sup>۶۶</sup> ایمان هیچ بنده ای درست نشود، تا آن که دلش درست شود و دلش درست نشود تا آنگاه که زبانش درست شود بنابراین هرکس از شما بتواند با

<sup>۶۴</sup> - حسین کریمی زنجانی، همان، ص ۵۴.

<sup>۶۵</sup> محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۶۱۹.

<sup>۶۶</sup> - محمد باقر مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۲۸۷.

دستی نیالوده به خون و اموال مسلمانان و زبانی سالم از (هتک) آبرو و حیثیت ایشان خدای متعال را دیدار نماید، البته چنین کند.»

و هم چنین از رسول الله (صلی علیه وآله وسلم) نقل شده که فرموده اند: «إِذَا أَصْبَحَ ابْنُ آدَمَ فَإِنَّ الْأَعْضَاءَ كُلَّهَا تُكْفِّرُ لِّلْسَانَ؛ چون آدمی صبح خویش را آغاز کند همه اندام ها از زبان می خواهند که بس کند.»<sup>۶۷</sup> یعنی به او می گویند: درباره ما از خدا بترس؛ زیرا اگر تو راه راست بروی ما هم به راه راست می رویم و اگر تو کج بروی ما هم به راه کج می رویم.

بر اساس آیات و روایات فراوانی که در نکوهش غیبت بیان شده و نهی مکرر نموده است، انسان باید برای نگهداری ایمان خود از این گناه دوری کند زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده اند: «الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ»<sup>۶۸</sup> اثر غیبت در دین شخص سریع تر از بیماری خوره خوره است که وارد بدن می شود.

بنابر این غیبت کردن به معنی از بین رفتن دین؛ و از بین رفتن دین انسان یعنی سقوط در ورطه‌ی هلاکت و نابودی. پس به جاست که انسان ریشه گندیده غیبت را از جانش کنده و زبانش را از آفت زدوده و ایمانش را از سرطان کشنده رهائی بخشد.

### ۲.۳. ثبت ثواب غیبت کننده به حساب غیبت شونده

یکی از نتایج اخروی غیبت این است که ثواب اعمال فردی که غیبت می کند به حساب غیبت شونده ثبت می گردد. در واقع کسی که مؤمنی را غیبت می کند اعمال نیک خود را به او بخشوده است و ثواب های عمر خود را تباه کرده و از بین برده است. مؤید این مطلب حدیثی از امام صادق (علیه السلام)

<sup>۶۷</sup> - مبارک بن محمد ابن اثیر جزری، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، محمود محمد طنّاحی، ج ۴، چاپ چهارم، قم:

موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۸۸.

<sup>۶۸</sup> - محمدباقر مجلسی، مراه العقول، هاشم رسولی محلاتی، ج ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۶.

است که می‌فرماید: «الْغَيْبَةُ تَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»<sup>۶۹</sup> غیبت بر هر مسلمانی حرام است زیرا غیبت کردن خوبی‌ها را از بین می‌برد مثل آتش که هیزم را از بین می‌برد.»

در حدیثی آمده است که: «در روز قیامت یکی از شما را در صحرای محشر برای رسیدگی به اعمالش حاضر می‌کنند و نامه عملش را به دستش می‌دهند هنگامی که به آن نگاه می‌کند هیچ اثری از اعمال نیکش در آن نمی‌بیند عرض می‌کند پروردگارا! این نامه عمل من نیست زیرا طاعات و عبادت‌هایی را که در دنیا انجام داده‌ام در آن ثبت نشده است؛ به او می‌گویند: پروردگار تو خطا و نسیان نمی‌کند، این نامه عمل توست که به خاطر غیبت کردن از دیگران اعمال نیک تو در نامه عمل آن‌ها ثبت شده است و سپس شخص دیگری را برای رسیدگی به حسابش می‌آورند و نامه عملش را به دستش می‌دهند به آن نگاه می‌کند و بر خلاف انتظارش طاعات و عبادات زیادی در آن می‌بیند و از روی تعجب عرض می‌کند: پروردگارا، این نامه عمل من نیست من در دنیا کارهای نیکی را که در اینجا نوشته شده است انجام نداده‌ام؛ به او گفته می‌شود چون فلانی غیبت تو را کرد کارهای نیک او در نامه عمل تو ثبت گردید.»<sup>۷۰</sup> پس اگر غیبت کننده بداند که طبق روایات، هم اکنون که زبان به غیبت می‌گشاید در واقع، ثواب و حسنات خود را به دفتر اعمال غیبت شونده وارد می‌کند و گناهان و سیئات او را به دفتر اعمال خود منتقل می‌کند. منتها روز قیامت که روز ظهور حق است، از این داد و ستد سفیها نه مطلع می‌شود سزاوار است که اندکی تأمل کند که اگر غیبت شونده دوست اوست، که این شرط دوستی و جوانمردی نیست که عیب‌هایش را پشت سرش افشا کند و اگر دشمن اوست که بار گناهان او را به دوش کشیدن نهایت حماقت و نادانی است نقل شده است که به یکی از بزرگان خبر دادند، فلان شخص از شما غیبت نموده، آن بزرگ طبقی از خرمای تازه برای غیبت کننده فرستاد و گفت: به من خبر رسیده که شما قسمتی از حسنات خود را به من اهداء کرده اید. من هم خواستم به

<sup>۶۹</sup> - مسعود بن عیسی ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۲، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق، ص ۲۶.

<sup>۷۰</sup> - شهرام تاجانی، گناهان کبیره زبان، بیجا: شهریار، بی تا، ص ۸۱-۷۹.

این وسیله از شما تشکر کرده باشم و به شما پاداشی داده باشم، مرا معذور بدانید که نتوانستم به طور کامل جبران کنم.

#### ۲.۴. عذاب قبر (مجازات عالم برزخ)

انسان وقتی که از این عالم رخت برمی‌بندد و به عالم برزخ می‌رود سروکار او به صورت ملکوتی اعمال خوب و بدی است که در این دنیا انجام داده است.

مجازات برزخی غیبت کننده پس از مجازات‌ها و پیامدهایی که در این دنیا گرفتار آن بوده با ورود او به عالم برزخ آغاز می‌شود طبق روایتی از ابن عباس که گفته شده است:

«عَذَابُ الْقَبْرِ ثَلَاثَةٌ أَثَلَاثٌ ثُلْثٌ لِلْغَيْبَةِ...؛ عذاب قبر به سه بخش تقسیم می‌شود و یک سوم آن مربوط به غیبت است و...»<sup>۷۱</sup>

#### ۲.۵. وارد شدن در ولایت شیطان

غیبت صاحب خود را از ولایت خدا به ولایت شیطان بیرون می‌برد امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رَوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدَمَ مُرُوءَتَهُ لِيَسْقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ؛ هر که علیه مومنی چیزی بگوید که او را عینناک کند و آبرویش را بریزد تا از چشم مردم بیفتد خداوند او را از دوستی و سرپرستی خود به دوستی و سرپرستی شیطان می‌

<sup>۷۱</sup> - محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، جمعی از محققان، ج ۶، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۴۵.

راند و شیطان هم او را نمی پذیرد.<sup>۷۲</sup> پیشوای ششم (علیه السلام) ضمن گفتاری طولانی فرموده‌اند: «وَمَنْ اغْتَابَهُ بِمَا فِيهِ فَهُوَ خَارِجٌ عَنِ وَلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ دَاخِلٌ فِي وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ»<sup>۷۳</sup> ولایت شیطان چیست؟

آشکارترین نتیجه برای آن اختلاف و پراکندگی و تشتت می‌باشد که دلیل مصیبت های مسلمانان امروز است چون در آن دقت کنیم می‌بینیم که بیشتر جنبه نفسی و روانی دارد و به خاطر دید منفی به بعضی افراد باعث افزایش اختلافات میان آن ها می شود و پیامد این گناه بزرگ انتشار دید منفی و سلبی است، که اگر انسان ها به تعلیمات اسلام درباره‌ی معامله و معاشرت با یکدیگر بر اساس اعتماد عمل می‌کردند، عیب های یکدیگر را پوشیده نگاه می‌داشتند، نیکی‌ها را منتشر می‌کردند، در نتیجه مثبت نگری گسترش می‌یافت و انسان ها به مانند برادر به یکدیگر کمک می‌کردند.

به همین علت است که آیات و روایات مردم را از غیبت کردن نهی کرده و غیبت را علت بیرون شدن از ولایت خدا که جایگاهی والا است دانسته و داخل شدن به ولایت شیطان که جایگاهی پست و حقیر است معرفی کرد.<sup>۷۴</sup>

از سوی دیگر سیطره ولایت الهی سرشار از هدایت و نور و لطف خداوند است حال دلی که مبتلا به بیماری غیب باشد و صاحبش در صدد درمان آن برنیاید خداوند سبحان آینده تاریکی را برای آن شخص پیش بینی می کند و می فرماید: چون گناه ظلمت است بنابراین دل گناهکار را سراسر ظلمت فرا می گیرد به طوری که پس از گذشت چند صباحی، دیگر کمتر کورسویی از نور هدایت ایمان به درون آن راه نمی یابد گویی موجودی است که در روز روشن با وجود خورشید تابان در آسمان خود را در تاریکی زیرزمینی محبوس می کند و به دست خود خویشتن را از نور عالم تاب محروم می نماید.

---

<sup>۷۲</sup> - مهدی نراقی، همان، ج ۲، ص ۴۰۴.

<sup>۷۳</sup> - محمد بن علی ابن بابویه، الامالی (للمصدق)، همان، ص ۱۰۳.

<sup>۷۴</sup> - شهرام تاجانی، همان، ص ۸۱، ۷۹.

در وجود انسان یک دل بیشتر نیست یا این دل با نور الهی مأنوس است یا با ظلمت و تاریکی که در واقع همان ولایت شیطان و گمراهی است و قانون پروردگار چنین است که نور با ظلمت نمی سازد هر کجا یکی آمد دیگری بیرون می رود.

«ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ»<sup>۷۵</sup> خداوند برای انسان دو قلب در درون قرار نداده.

دل اگر با تیرگی پر شد، خدای سبحان با لاک گناه آن رامهر می کند و دیگر حرف حق در او اثر نخواهد داشت.

«خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۷۶</sup> خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده، و بر چشمهای آنها پرده افکنده شده، و عذاب بزرگی در انتظار آنها است.

## ۲.۶. غیبت کردن مرتبه ای از حق الناس

گناه انسان را به سقوط می کشاند هر چه باشد؛ کوچک یا بزرگ اما گناهی که اگر انسان آن را جبران نکند و توجه نداشته باشد انسان را بیچاره می کند «حق الناس» است غیبت کردن یعنی این که انسان نسبت به دیگران سوءظن داشته باشد بدی دیگران را ببیند و خوبی آن ها را فراموش کند و به افشای عیوب دیگران پردازد. که این خود یک مرتبه ای از حق الناس است. حق الناس مراتب دارد یک مرتبه اش راجع به مال مردم است که درمان مردم لاابالی گری کنند مرتبه دیگری حق الناس راجع به عرض مردم، راجع ناموس و آبروی مردم است و مسلم است که اهمیت ندادن به آبروی مردم، از اهمیت ندادن به جان مردم، گناهش بزرگ تر خواهد بود از این روسوء ظن به دیگران، بدبینی به مردم و هم چنین جنبه های مثبت افراد را فراموش کردن و منفی های آن را گرفتن و روی آن تکیه کردن و دیگران را بدی ها یاد کردن به هر نحوی که باشد یک مرتبه از حق الناس است که گناهش بسیار بزرگ است.

---

<sup>۷۵</sup> - احزاب (۳۳)، آیه ۴.

<sup>۷۶</sup> - بقره (۲)، آیه ۷.

نقل شده که روزی حضرت امام خمینی (رضوان الله علیه) به مسجد سلماسی قم جهت درس رفتند، نفس ایشان به شماره افتاده بود زبان ایشان لکنت پیدا کرده بود درست نتوانست بگوید تب داشتند و رفتند منزل و سه روز تب ایشان عود کرد و نیامد درس بگوید برای این که شنیده بود یکی از شاگردانش به نفع ایشان و به ضرر یکی از مراجع تقلید یک غیبت کرده بود مثل حضرت امام اسم غیبت را که می شنود، به خود می لرزد رنگش تغییر می کند به خاطر این که قرآن و روایات ما راجع به حق الناس خیلی پافشاری دارد و روز قیامت انسان باید از گردنه ها و پیچ و خم های مشکلی عبور کند که یکی از آن ها مرصاد است که قرآن می فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمِرْصَا»

که خداوند در آنچه از حق مردم سوال می کند و به عزت و جلالش قسم یاد نموده است که از حق الناس نخواهد گذشت.

## ۲.۷. مانعی بر پذیرش توبه (غیبت بدتر از زنا)

غیبت باعث از بین رفتن آبرو و ارزش برادر مؤمن می شود و غیبت کننده اگر هم توبه کند خداوند توبه او را نمی پذیرد زیرا این گناه حق الناسی بر گردن اوست و باید شخصی که غیبتش شده او را عفو کند و در صورت رضایت اوست که خدا توبه او را بپذیرد ولی در غیر این صورت عذاب جهنم در انتظار اوست. در کلام معصومین آمده که گناه غیبت از زنا بدتر است غیبت در مقایسه با این گناه کبیره بدتر و زشت تر بیان شده زیرا فرد زناکار با توبه واقعی در نزد خدا بخشوده خواهد شد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این باره فرموده اند:

«الْغَيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزُّنَا فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلِمَ ذَلِكَ قَالَ صَاحِبُ الزُّنَا يُتُوبُ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَصَاحِبُ الْغَيْبَةِ يُتُوبُ فَلَا يُتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَكُونَ صَاحِبُهُ الَّذِي يُحِلُّهُ غَيْبَتِ الزُّنَا بِدَرَجَاتٍ عَرْضَ كَرْدَنْدِ يَا رَسُولَ اللَّهِ چَرَا چَنِينِ اسْت؟ فرمودند: کسی که زنا می کند اگر توبه کند خداوند توبه او را می پذیرد ولی کسی که غیبت می کند اگر توبه کند خداوند توبه او را نمی پذیرد مگر اینکه از کسی که از او غیبت



شده حلالیت بطلبد و او نیز بپذیرد.<sup>۷۷</sup> این که حضرت فرموده است گناه غیبت از زنا شدید تر است به خاطر این است که غیبت حق الناس است و زنا، حق الله، حتی زناى محصنه البته شدید تر از جمیع جهات نیست شدید تر از حیثیتی استیعنی از زاویه خاص شدید تر است.<sup>۷۸</sup>

فردی که متعرض آبروی دیگران شده و حقوق دیگران را زیر پا گذاشته باید از صاحب حق حلالیت بطلبد و به گناه خود اعتراف کند و هم چنین در نزد کسانی که آبروی فرد را ریخته تعریف و تمجید او را کند تا از او اعاده حیثیت شود تا شاید خداوند توبه او را بپذیرد البته حلالیت طلبیدن از فرد در صورتی که از تهدید و افزایش خشم و کینه و فتنه انگیزی بیمی نداشته باشد اگر چنین ترسی داشته باشد نباید به گوش او برساند بلکه باید برای او بسیار طلب آمرزش کند از او در پیش دیگران تعریف و اعاده حیثیت کند و خوش رفتاری و نیکی کردن در حق او را به حدّ مبالغه برساند و از خداوند به تضرّع و زاری بخواهد که آنان را در روز قیامت از او راضی بگرداند امید است که خداوند هرگاه راستی و صدق قلبی بنده خود را بداند و ذلّت و شکستگی در او بیابد بر بیچارگی او رحمت آورد و صاحبان حق را از خزانه فضلش خشنود گرداند. تا در روز قیامت از غضب الهی و آتش دوزخ رهانیده شود.

## ۲.۸. تأخیر پاداش و تقدیم مجازات

بیشتر گناهان با پشیمانی واقعی و توبه بخشوده می شود ولی غیبت از گناهانی است که توبه به تنهایی بخشودگی به همراه ندارد زیرا حق الناس است ؛ البته کسی که به گناه غیبت مبتلا شده باید فوراً از آن پشیمان شود و پس از پشیمانی قلبی به زبان نیز استغفار کند و تصمیم بر ترک این گناه بگیرد و علاوه بر این باید اگر ممکن است از شخص غیبت شده حلالیت بطلبد و اگر بر این ممکن نباشد مثل اینکه

---

<sup>۷۷</sup> - محمدبن علی ابن بابویه، علل الشرایع، ج ۲، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵، ص ۵۰۷.

<sup>۷۸</sup> - حسین میرزاخانی، همان، ص ۴۷.

طرف مقابل مرده باشد یا در دسترس نباشد با اینکه به موجب گفتن به او مفسده ایجاد می‌شود باید برای کسی که پشت سر او غیبت کرده استغفار نماید. و آبرویی را که از فرد برده است جبران نماید مثلاً در همان جمعی که غیبت را انجام داده است از آن شخص که غیبتش شده دفاع کند و بعد از این مراحل می‌تواند امید به بخشیده شدن داشته باشد.

از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که فرموده‌اند: «الوحي الله تعالى عز وجلّ الى موسى بن عمران (عليه السلام): «الْمُعْتَابُ إِنْ تَابَ فَهُوَ آخِرٌ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَإِنْ لَمْ يَتُبْ فَهُوَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ؛ خداوند متعال به موسی بن عمران (علیه السلام) وحی کرد: غیبت کننده اگر توبه کند [حلالیت بطلبد] آخرین کسی است که وارد بهشت می‌شود و اگر موفق به توبه نشود، نخستین کسی است که وارد جهنم می‌شود.»<sup>۷۹</sup> و هم چنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در آخرین خطبه اش در مدینه فرمودند: «مَنْ مَشَى فِي غِيْبَةِ أَخِيهِ وَكَشَفَ عَوْرَتِهِ كَانَتْ أَوَّلُ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا وَضَعَهَا فِي جَهَنَّمَ...؛ هر کس قدمی در راه غیبت برادر مسلمان خود بردارد و راز او را فاش کند اولین قدمی که در روز قیامت بر میدارد به سوی جهنم است.»<sup>۸۰</sup>

## ۲.۹. محرومیت از بهشت

بهشت مرکز اصلی و واقعی ضیافت الله است جایی که خداوند سبحان به بندگان صالح خود وعده داده است تا در مقابل اعمال صالحی که در این دنیا انجام می دهند در آخرت در محلی به نام بهشت زحمات آنان را پاداش دهد.

---

<sup>۷۹</sup> محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، همان، ج ۷۲، ص ۲۵۷.

<sup>۸۰</sup> حسن بن محمد دیلمی، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق، ص ۴۲۰.

اوصاف بهشت فراتر از آن است که در بیان بگنجد چرا که قدرت بی انتهای الهی ایجاب می کند که برای مومنین و دوستان و اولیاء الهی پاداش های غیر قابل شمارش اجر داده شود ولی از میان تمام اوصاف دل انگیز باغ بهشت صفتی است که قرآن هم به آن تصریح نموده است و آن خصیصه اصلی بهشت «پاک بودن» آن است چون خود پاک است جز پاکان را به خود راه نمی دهد.

در روز قیامت که هر چیزی با چهره واقعی خود نمایان می شود چهره واقعی گناه غیبت آلودگی به قذارت و کثافت است و با توجه به روایات مانند کسی است که گوشت مردم را دریده و لاشه مردار را می خورد

پس صاحب گناه غیبت که با چنین صورتی درعرصات محشر ظاهر می شود قهراً همان واقعیت و چهره واقعی از رفتن او به بهشت مانع می شود با یک مثال ساده مطلب روشن تر می شود: فرض کنید در دنیا شخص کریمی ضیافتی عمومی ترتیب داده باشد و همگان مجاز باشند به آن مهمانی حضور پیدا کنند در این بین اگر یک نفر پیدا شود که بخواهد با لباس و بدن آلوده به نجاست و کثافات داخل آن ضیافت خانه شود بسیار واضح است که نخواهند گذاشت که او با آن وضع نابهنجار و مشمئز کننده ی خود داخل شود و طبعاً به او می گویند نخست لباس و بدن خود را پاک کن سپس به ضیافت داخل شو داخل شدن به بهشت و ضیافت خانه الهی هم بدون زدودن آلودگی گناهان و کسب طهارت معنوی کامل ممکن نیست.

امام باقر (علیه السلام) در این زمینه می فرمایند: «الذُّنُوبُ كُلُّهَا شَدِيدَةٌ وَأَشَدُّهَا مَا نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَالدَّمُ لِأَنَّهُ إِمَّا مَرْحُومٌ وَإِمَّا مُعَذَّبٌ وَالْجَنَّةُ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا طَيِّبٌ؛ کیفر همه گناهان بسیار سخت است و سخت ترین آن ها گناهی است که با آن گوشت و خون آدم روییده باشد (و مداومت بر آن گناه شده باشد) زیرا وضع گناهکار از دو حال خارج نیست یا رحمت الهی به حالش شامل شده و (بخشوده می شود) و یا

در عذاب خدا معذب می باشد (در هر دو صورت) به بهشت داخل نمی شود مگر آن کس که از گناه پاک باشد.<sup>۸۱</sup>

هم چنین حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُحْبَسُ عَلَى ذَنْبٍ مِنْ ذُنُوبِهِ مِائَةً عَامٍ، وَ إِنَّهُ لَيَنْظَرُ إِلَى أَزْوَاجِهِ فِي الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمُ؛ هَمَانَا بِنْدَه برای گناهی از گناهان خود یک صد سال در جهنم زندانی می شود در حالی که می بیند همسالان خود در بهشت از نعمت های الهی بهره مند هستند.»<sup>۸۲</sup>

هر کسی با اندک تأمل عقلانی می تواند درک کند که غیبت از خبیث ترین صفات و صاحب آن از رذیل ترین مردمان است. بزرگان گذشته و اهل فضل و علم بندگی خدا را در نماز و روزه به تنهایی نمی دانستند بلکه علاوه بر آن ها در چشم پوشیدن و حفظ خود از پیروی عیب مردم می دانسته اند و آن را افضل اعمال می شمرده اند و خلاف این عمل را از صفات منافقین بر شمرده اند و رسیدن به مراتب عالیه انسانی و درجات رفیع را مشروط بر ترک گناه دانسته اند و مسلم است که کسی لیاقت ورود به بهشت را دارد که واجد مراتب عالیه و درجات انسانی باشد نه انسان منافق و گناهکار.

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرموده اند: «هر کس نماز او نیکو باشد و عیالمند باشد و مال او کم باشد و غیبت مسلمانان را نکند با من در بهشت خواهد بود.»<sup>۸۳</sup>

و در حدیث دیگری فرموده اند: «تَحْرُمُ الْجَنَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ عَلَى الْمَنَانِ وَعَلَى الْمُعْتَابِ وَعَلَى مُدْمِنِ الْخَمْرِ؛ بهشت بر سه نفر حرام است: سخن چین، کسی که غیبت می کند و کسی که دائم الخمر است.»<sup>۸۴</sup>

## ۲.۱۰. تجسم زشت غیبت در روز قیامت

<sup>۸۱</sup> - محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۰، ص ۳۱۷.

<sup>۸۲</sup> - همان، ج ۷۰، ص ۳۲۱.

<sup>۸۳</sup> - حسین بن سعید کوفی اهوازی، الزهد، غلامرضا عرفانیان یزدی، قم: المطبعة العلمیه، ۱۴۰۲ ق، ص ۹.

<sup>۸۴</sup> - محمد بن علی ابن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۷۰.

بر انگيخته شدن و حشر هر کسی در دنيای آخرت به صورت همان چیزی است که مورد محبت و علاقه وی بوده و تمام سعی و کوشش و عمل او در آن مورد به کار رفته است. تکرار اعمال - بد یا خوب - موجب تحقق صورت ملکوتی آن عمل در نفس آدمی می گردد و هر ملکه از ملکات که در دنیا بر نفس غالب شود در آخرت به همان صورت متمثل می شود. انسان هایی که در دنیا تمام همت خود را به لذت های حیوانی و هواهای نفسانی می گمارند پس ناگزیر در روز رستاخیز به صورت حیوانی مناسب با ملکات خود بر انگيخته می شوند.

همانگونه که در آیه شریفه «وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ؛ و در آن هنگام که وحوش جمع شوند»<sup>۸۵</sup> به این نکته اشاره شده در حدیث شریف «يحشر بعض الناس على صورة القردة و الخنازير؛ برخی از مردم با چهره ای برانگيخته می شوند که در قیاس با آنان میمون و خوک زیبا هستند»<sup>۸۶</sup> به این مطلب تصریح گردیده است.

مرحوم صدوق از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که حضرت در حدیثی که سند آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می رسد فرمودند: «چهار طایفه با عذاب و شکنجه ای که در جهنم می بینند، دوزخیان را با وصف معذب بودنشان آزار می دهند. آن ها از آب های گرم و چرکین مینوشند و داد و شیون راه می اندازند برخی از دوزخیان از برخی دیگر می پرسند این ها چه کرده اند که عذابشان با این که خود مهذب هستیم ما را آزار می دهد؟!»

یکی از آن ها در صندوقی از آتش آویزان است و دومی روده ها و امعاء و احشایش از زمین کشیده می شود و سومی از دهانش خون و جرک جریان دارد و چهارمی گوشت خود را می خورد. آن ها از آن که در صندوق آتشین معذب است می پرسند: آزار می دهی؟ در جواب می گوید: من در حالی دار دنیا را وداع گفتم که مشغول الذمه بودم و مال مردم در گردن من بود و آن ها را به صاحبانش نپرداختم

---

<sup>۸۵</sup> - التکویر (۸۱)، آیه ۵.

<sup>۸۶</sup> - محمد صالح مازندرانی، شرح الکافی، ابوالحسن شعرانی، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵.

از دومی که روده هایش از زمین کشیده می شود می پرسند در جواب می گوید: من از بول خود اجتناب نمی کردم و مبالاتی نداشتم که بول به تن من ترشح کند.

آن گاه نوبت به سومی می رسد که از دهانش خون و چرک جاری می شود به همان ترتیب او نیز علت این همه عذاب دردناک را می پرسند در پاسخ می گوید: منادای مردم را در می آورم و نگاه می کردم هر کس یک سخن زشتی می زد به خاطر می سپردم و تقلید آن را در می آوردم!

چهارمی هم در پاسخ می گوید: من گوشت مردم را به وسیله غیبت کردن و سخن چینی می خوردم.<sup>۸۷</sup>

هم چنین پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره شی که به معراج رفته بودند فرمودند: «مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي. عَلَى قَوْمٍ يَخْمِسُونَ وُجُوهُهُمْ بِأَظْفَارِهِمْ فَقُلْتُ يَا جِبْرِيلُ مَنْ هَؤُلَاءِ فَقَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغْتَابُونَ النَّاسَ وَ يَقْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ؛ در شی که به معراج رفتم بر گروهی گذر کردم که صورت های خود را با ناخن می خراشیدند از جبرئیل سوال کردم که اینان چه کسانی هستند؟ گفتند: این ها کسانی هستند که مردم را غیبت می کردند و آبروی آن ها را می ریختند.»<sup>۸۸</sup>

در روایت دیگری آمده است که حضرت فرمودند: «در شب معراج به آتش دوزخ نگاه کردم مردی را دیدم که از لاشه گندیده مرداری می خوردن از جبرئیل سوال کردم این ها که هستند؟ این ها کسانی هستند که با غیبت گوشت بدن مردم را می خورند.»<sup>۸۹</sup>

---

<sup>۸۷</sup> - حسین میرزاخانی، سلطان ایمان، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۹، ص ۱۸۹.

<sup>۸۸</sup> - علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۱، بیروت: موسس الرسالة، ۱۴۰۵ ق، ص ۱۵۰.

<sup>۸۹</sup> - جعفر بن محمد (علیه السلام)، مصباح الشریعة، ترجمه و شرح عبد الرزاق گیلان، تهران: پیام حق، ۱۳۷۷ ش، ص

امام خمینی در تصویر چهره‌ی ملکوتی «غیبت» و غیبت کننده می‌فرماید: «از برای این موبقه‌ی کبیره در عالم غیب و پس پرده‌ی ملکوت، صورت مشوّه (بی قواره) زشتی است که علاوه بر بدی آن، موجب رسوایی در ملاء اعلا و محضر انبیای مرسلین و ملائکه مقربین می‌شود صورت ملکوتی آن همان است که خداوند تبارک و تعالی در کتاب کریمش اشاره به آن می‌فرماید و احادیث شریفه نیز صراحتاً و اشارتاً بیان آن را کرده‌اند: «قال الله - عزوجل (وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلُ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ)» ما غافلیم از آن که اعمال ما عیناً با صورت‌های مناسبه‌ی با آن‌ها در عالم دیگر به ما رجوع می‌کند نمی‌دانیم که این عمل صورتِ مردار خوردن است صاحب این عمل همان طور که چون سگ‌های درنده اعراض مردم را دریده و گوشت آن‌ها را خورده در جهنم نیز صورت ملکوتی این عمل به او رجوع می‌کند»<sup>۹۰</sup>

و در جای دیگر مشفقانه می‌فرماید:

«ای بی چاره انسان! جهنم و عذاب‌های گوناگون عالم ملکوت و قیامت صورت‌های عمل خود توست. تو به دست خود، خویشتن را دچار ذلت و زحمت کردی و می‌کنی؛ تو با پای خود جهنم می‌روی و به عمل خود، جهنم درست می‌کنی. جهنم نیست جز باطن عمل‌های ناهنجار تو. ظلمت‌ها و وحشت‌های برزخ و قبر و قیامت نیست، جز ظلمانی اخلاق فاسده و عقاید باطله‌ی بنی‌الانسان»<sup>۹۱</sup>

این که خدای سبحان از غذای جهنمی یاد می‌کند که: «وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينَ؛ و غذایی جز چرک ندارند»<sup>۹۲</sup> و به آن‌ها می‌گوید «هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ این همان کاری است که در دنیا می‌کردید چیز دیگری نیست»<sup>۹۳</sup> یعنی باطن گناهایی که انسان مرتکب می‌شود چرک خالص است برآستی نگاه این چنینی به گناه غیبت باعث می‌شود انسان از آن دوری نموده و زبان خود را آلوده نسازد این

<sup>۹۰</sup> - روح الله الخميني، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه نشر آثار امام، ۱۳۷۱، ص ۳۰۳.

<sup>۹۱</sup> همان، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۴۱.

<sup>۹۲</sup> - الحاقه (۶۹)، آیه ۳۶.

<sup>۹۳</sup> - النمل (۲۷)، آیه ۹۰.

که ائمه معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) به فکر گناه هم نبودند به همین دلیل که آن‌ها حقیقت گناه را هم می‌دیدند همان گونه که توان ظاهر و باطنی دارد پدیده‌ها و اجزاء عالم هستی هم ظاهر و باطنی دارند و همین باطن که در روز قیامت ظهور می‌کند و به صاحبش جزاء داده می‌شود انس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت می‌کند که فرمودند: شب معراج از کنار جمعی گذشتم که با ناخن‌های خویش صورت خود را می‌خراشیدند. از جبرئیل پرسیدم این‌ها کیستند؟ گفت: این‌ها کسانی هستند که غیبت مردم را می‌کردند و در پوست مردم می‌افتند و متعرض عرض و آبروی مردم می‌شدند.<sup>۹۴</sup>

در حدیث دیگری که خداوند تبارک و تعالی به حضرت داود (علیه السلام) وحی می‌فرستاد و فرمود: «ای داود برای گناهانت (به ویژه گناهانی چون غیبت، تهمت، دروغ، و ناسزا، و بدگویی و... از زبان سر می‌زند) مثل مادری که فرزندش مرده و در ماتم او سوگوار است ناله و گریه کن، که اگر بدانی و ببینی عذاب کسانی که با زبانشان گوشت مردم را می‌خورند سفره‌ای بسیار پهن، باز می‌کنم و اطراف آن را با سرپوش‌های آتشین می‌پوشانم و با گرزهای آتشی بر آن‌ها می‌کوبم. پس توبیخ‌کننده‌ای برایشان می‌گمارم که درباره آن‌ها به دوزخیان می‌گوید: ای اهل دوزخ، ایشان را به خوبی بشناسید این‌ها کسانی هستند که زبان بدگو و زشتشان بر آن‌ها چیره بوده است آن‌ها در دنیا اختیار زبان خود را نداشتند و هر چه دلشان می‌خواست درباره مردم می‌گفتند.»<sup>۹۵</sup>

پس با توجه به اصل معاد و زندگی اخروی انسان در سرای دیگر و بازگشت چهره واقعی اعمال شخص غیبت‌کننده علاوه بر پیامدهایی که در این دنیا به آن‌ها گرفتار می‌شود در آخرت نیز دچار عذاب و گرفتاری‌های بی‌شماری می‌شود که از عذاب قبر شروع می‌شود و تا پرونده‌ای پر از گناهان فرد غیبت‌شده و تاخیر پاداش‌ها و تقدم مجازات‌هایش. محرومیت از بهشت و تجسم زشت غیبت در روز قیامت ادامه خواهد داشت پس با توجه به این موج بلایا و مصیبت‌ها شایسته است انسان با اندک تأملی در پیامدهای این رذیله نفس خویش را از آن برحذر دارد.

---

<sup>۹۴</sup> - حسین میرزاخانی، همان، ص ۱۸۸.

<sup>۹۵</sup> - محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۲۶۲.



## نتیجه گیری

غیبت عبارت است از یاد کردن برادر مومن به عیوب و نقایصی که پوشیده است و او از بر ملا شدن آن عیوب ناراحت می شود. و غیبت اقسامی دارد که شامل عیوب بدنی، اخلاقی، عملی، زبانی، دینی مذهبی، معاشرتی، خانوادگی، یا نژادی و عیوب زندگی افراد می شود. در روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) و کتب اخلاقی به طور جدی از غیبت کردن نهی شده و پیامدهای دنیوی از جمله باطل کننده عبادات، مبعوض شدن نزد خدا و مردم، بازماندن از عیوب خویشتن، ریختن آبرو و شکستن حرمت افراد و...

و پیامدهای اخروی از جمله تباهی اعمال نیک، وارد شدن در ولایت شیطان، تجسم زشت غیبت در روز قیامت، محرومیت از بهشت و.... بیان شده است.

## منابع و ماخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

## کتاب فارسی

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، ادب حضور ترجمه فلاح السائل، محمد روحی، قم: انصاری، ۱۳۷۹.
۵. ایمانی، مهدی فقیه، نقش زبان در سرنوشت انسان، چاپ هشتم، قم: انتشارات عطر عترت، ۱۳۸۸ ش.
۶. تاجانی، شهرام، گناهان کبیره زبان، قم: شهریار، ۱۳۸۹ ش.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالحکم، آقا جمال الدین خوانساری، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
۸. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: موسسه تحقیقاتی امیر المومنین، ۱۳۸۱.
۸. حسابدار، محمد، مفاتیح السعاده مسیر رستگاری، اراک: توشه، ۱۳۷۵.
۱۰. حسینی، مصطفی، اخلاق و تربیت اسلامی، تهران: زعیم، ۱۳۸۸.
۹. خانی، حسین، سرطان ایمان، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۹.
۱۰. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه نشر آثار امام، ۱۳۷۱، ص ۳۰۳.
۱۱. دستغیب شیرازی، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۲، تهران: کانون ابلاغ اندیشه های اسلامی، ۱۳۶۱.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، قم: انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۳.

۱۳. شیر، عبدالله، اخلاق، محمدرضا جباران، چاپ هشتم، قم: هجرت، ۱۳۸۴.
۱۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، شریف رضی، چاپ چهارم، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰ ش.
۱۵. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۶. کریمی زنجانی، حسین، پژواک گناه، قم: عقل سرخ، ۱۳۸۵.
۱۷. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، غلامرضا عرفانیان یزدی، قم: المطبعه العلمیه، ۱۴۰۲ ق.
۱۸. مازندرانی، محمد صالح، شرح الکافی، ابوالحسن شعرانی، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۲.
۱۹. مظاهری، حسین، اخلاق در خانه، ج ۱، قم: نشر اخلاق، ۱۳۷۳.
۲۰. مشکینی، علی، نصایح، جنتی، چاپ سوم، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۶۷.
۲۱. مکارم شیرازی ناصر، و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۷، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. مهدوی کنی، محمد رضا، نقطه های نماز در اخلاق عملی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۳. نراقی، مهدی، جامع السعادات، جلال الدین مجتبی، ج ۲، چاپ نهم، تهران: حکمت، ۱۳۸۹.

## کتاب عربی

۲۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
۲۵. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق علی اکبر غفاری، ج ۴، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه - قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ج ۲، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵.
۲۷. ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.

۲۸. ابن اثیر جزیری، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، محمود محمد طناحي، ج ۴، چاپ چهارم، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۲۹. ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی ورام، *مجموعه ورام*، ج ۲، قم: مکتبه فقیهه، ۱۴۱۰ ق.
۳۰. انیس ابراهیم، و دیگران، *فرهنگ المعجم الوسيط*، مترجم محمدبند ریگی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.
۳۱. ثانی، کشف الريبه، زين الدين ابن علي عاملی، قم، تحقیق مرکز الدراسات السلامیه، ۱۳۸۰.
۳۲. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، علی هلالی و علی سیری، ج ۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. دیلمی، حسن بن محمد، *أعلام الدين في صفات المؤمنين*، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام)، قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.
۳۴. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، محقق احمدحسین اشکوری، ج ۲، چاپ سوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۳۵. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسير العیاشی*، هاشم رسولی محلاتی، ج ۱، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافي*، ج ۴، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹.
۳۷. محی الدین، علی بن حسام، *کنز العمال*، ج ۱، بیروت: مؤسس الرسالة، ۱۴۰۵ ق.
۳۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، ج ۷۴، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۹. -----، *مراه العقول*، هاشم رسولی محلاتی، ج ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۴۰. -----، *بحارالانوار*، جمعی از محققان، ج ۶، بیروت: دارالحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۴۱. نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، موسسه آل بیت (ع)، قم: موسسه

آل بیت (ع)، ۱۴۰۸ ق.

۴۲. هرنندی، محی الدین فاضل، ترجمه و شرح مکاسب، ج ۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.